



بنیاد آرمان شهر یک نهاد مستقل و غیر انتفاعی شهروندی مستقر در کابل است که به هیچ دسته ی اقتصادی، سیاسی، مذهبی، قومی، و هیچ دولتی وابستگی ندارد. آرمان این نهاد ایجاد بسترهای مناسب برای تامین خواست های اجتماعی برای دیموکراسی، حقوق بشر، عدالت و قانون مداری است و نیز دست زدن به ابتکارات فرهنگی و نشر کتاب در خدمت به شکل گیری آگاهی جمعی شهروندان. بنیاد آرمان شهر در راستای تبادل اندیشه و گفتگو در داخل کشور و در منطقه با هدف ایجاد همبستگی، پیشرفت و صلح، می کوشد. بنیاد آرمان شهر عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH) است.

این نشریه با حمایت مالی اتحادیه اروپا منتشر شده است. مسئولیت انتشار این نشریه به عهده آرمان شهر و مسئولیت محتوای مطالب به عهده نویسندگان است و به هیچ وجه نمی تواند بازتاب موضع اتحادیه اروپا محسوب شود.

آدرس الکترونیک: [armanshahrfoundation.openasia@gmail.com](mailto:armanshahrfoundation.openasia@gmail.com)  
شماره تماس: ۰۷۸۷۱۹۵۲۱۲  
آرمان شهر در انترنت  
<http://armanshahropenasia.wordpress.com>

## طالبان؛ کارنامه نقض حقوق بشر

گروه های مسلح زیادی در افغانستان فعالیت دارند از جمله طالبان، القاعده، جیش محمدی، لشکر طیبه و حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار. عنوان طالبان به همه گروه های مخالف مسلح شامل جنگ سالاران محلی، باندهای جنایتکار فعال در قاچاق مواد مخدر یا قاچاق انسان اتلاق می شود. اکثر اعضای طالبان از مردمان پشتون جنوب افغانستان هستند و این گروه از حمایت مردمان ساکن در پاکستان برخوردار است. ملا عمر، رهبر طالبان، در سال ۲۰۰۳ برای هدایت عملیات نظامی در افغانستان یک شورای ۱۰ نفره تشکیل داد که سپس اعضای آن به ۳۳ نفر افزایش یافت. بخشی از طالبان نیز گویا جنگجویان خارجی شامل عرب ها، چین ها و ایرانیان هستند. گفته می شود نیروهای اصلی طالبان در حدود ۵۰۰۰ نفر تمام وقت و ۱۰۰۰۰ نفر نیمه وقت هستند. طالبان از منابع مالی بهره مند هستند اما گمان می رود بیشتر منابع مالی آنها از ثروتمندان کشورهای خلیج فارس دریافت می شود. به علاوه طالبان از قاچاق مواد مخدر، آدم ربایی و دریافت پول بابت آزادی گروگان ها و قاچاق کالا نیز درآمد دارند. باجگیری یا اخذ زکات نیز منابع دیگر درآمد آنها به شمار می رود.

### کشتار هزاره ها؛ بامیان، روباتک و پاکولنگ

به گزارش دیده بان حقوق بشر به نقل از شاهدان عینی، طالبان که در جنوری ۲۰۰۱ شهر یکاولنگ در ولایت بامیان را از نیروهای شمال پس گرفتند، در فاصله ۱۲ - ۸ جنوری ۳۰۰ مرد از جمله کارکنان سازمان های بشردوستانه را از شهر و دهات اطراف در مرکز ولسوالی و چند نقطه دیگر گردآوردند و در انتظار عمومی تیرباران کردند. کشتار می ۲۰۰۰ در نزدیکی گذرگاه روباتک در مرز ولایت های بغلان و سمنگان در شمال افغانستان رخ داد. تمام افرادی که کشته شدند چهار ماه در بازداشت بودند و بسیاری از آنها پیش از اعدام شکنجه شده بودند. به گزارش دیده بان حقوق بشر، ۳۱ جنازه در محل پیدا شد که ۲۶ نفر آنها به عنوان غیرنظامیان ولایت بغلان مورد شناسایی قرار گرفتند.

ادامه در صفحه (۳)

این شماره آرمان شهر به زبان انگلیسی در کنفرانس های اروپایی پیش از کنفرانس بن پخش شد.

- \* صلح با طالبان با چه قیمتی؟ ص ۱
- \* طالبان؛ کارنامه نقض حقوق بشر، ص ۱
- \* نگاهی بر قانون اساسی طالبان در مقایسه با قانون اساسی افغانستان، ص ۴
- \* سرنوشت مغموم صلح و عدالت در افغانستان، ص ۵
- \* عفو بین الملل: افغانستان پس از ۱۰ سال: پیشرفت کند و وعده های اجرا نشده، ص ۷
- \* بیانیه مشترک کمپین ۵۰٪ زنان و کمیته مشارکت سیاسی زنان به کنفرانس بن ۲، ص ۸
- \* چرا فرایند عدالت انتقالی با بن بست روبرو است؟ ص ۸
- \* عفو بین الملل: حقوق زنان را در گفتگو با طالبان تضمین کنید، ص ۹
- \* عفو بین الملل: دستور رهبر طالبان برای کاهش تلفات غیر نظامی ریاکارانه است، ص ۹
- \* روزنگار خشونت در برابر روزنامه نگاران در افغانستان، ص ۹
- \* تلفات غیر نظامی در جنگ (۲۰۰۱ تا کنون) ص ۱۱
- \* پیام نهاد های جامعه مدنی افغانستان برای کنفرانس بین المللی افغانستان در بن، ص ۱۳
- \* زنان افغان بسوی کنفرانس بن و فراتر از آن، ص ۱۴
- \* پیام موسسه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، ص ۱۵
- \* بیانیه مشترک سازمان های غیر دولتی به کنفرانس استانبول، ص ۱۵
- \* افغانستان به روایت آمار، ۱۰ سال پس از طالبان، ص ۱۶
- \* انتشارات آرمان شهر، ص ۱۷

## فید هفت اصل اساسی صلح عادلانه برای مردم افغانستان

موضوع فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر/ بنیاد آرمان شهر

پیش از کنفرانس بن ۵ دسامبر ۲۰۱۱ (۱۴ قوس ۱۳۹۰)

کابل/پاریس/بروکسل/بن، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱

ده سال پس از شروع مداخله بین المللی به رهبری امریکا برای برکنار کردن طالبان از قدرت و پایان دادن به حضور شبکه های تروریستی در افغانستان، مردم این کشور در وضع ترس و نامطمئن عمومی به سر می برند. بسیاری از مردم از پیشرفت ناچیز در توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی سرخورده هستند و بسیاری از چالش های اساسی به ویژه در ساختن نهادهای دموکراتیک و عادلانه که به حقوق مردم احترام بگذارند هنوز بر سر راه قرار دارند. وضعیت امنیتی به طور منظم رو به وخامت است و اقدامات تروریستی و اراغ علیه غیرنظامیان در مناطق مختلف مردم را که هنوز نقض حقوق بشر عمومی و نظام - مند، فجایع و سرکوب رژیم طالبان را به روشنی به خاطر دارند می ترسانند. با وجود این سختی ها، مردم افغانستان پیوسته و بدون تزلزل باور خود را به تغییرات پیشرو و دموکراتیک سازی و نیز میل نیرومند خود را به عدالت و پایان یافتن معافیت از مجازات در سطح گسترده ابراز کرده اند.

با نزدیک شدن کنفرانس بن در ۵ دسامبر ۲۰۱۱، بیان دوباره تعهد منصفانه، پایدار و شفاف جامعه بین المللی نسبت به مردم افغانستان حیاتی است. پاسداری از دستاوردهای مهم نهادینه و دموکراتیک در افغانستان پس از ۲۰۰۱ و تحکیم آنها برای اطمینان از بازنگشتن کشور به حاکمیت نقض گسترده حقوق بشر - که هم اکنون در بخش های زیر کنترل طالبان در افغانستان رخ می دهد - ضروری است. اما اجرای هدف اولیه جامعه بین المللی در سرمایه گذاری منابع در این کشور نیز به همین اندازه ضروری است. برای موفقیت کنفرانس بن، افغانستان و جامعه بین المللی در تمام موافقت های نهادی و استراتژیک باید به حمایت کامل از عدالت و حقوق بشر به عنوان اصول غیرقابل مذاکره تعهد عمیق داشته باشند.

در این بیانیه هفت اصل اساسی عنوان می شود که پایبندی به آنها صلح پایدار در افغانستان را ممکن می سازد. همان طور که لویه جرگه ۱۶ نوامبر در کابل نشان داد، نظر مصالحه به هر قیمتی در افغانستان رایج است. این نگرش همواره ناموفق بوده و پیامدهای وخیمی داشته است: این نگرش نه تنها حقیقت یابی بلکه عدالت را نیز کنار می گذارد، از تداوم معافیت از مجازات حمایت می کند و به نقض بیشتر حقوق بشر منجر می گردد. به علاوه، این نگرش پایه های صلح پایدار را برپا نمی سازد. تجربه اخیر نشان می دهد که مصالحه پیش از حقیقت یابی و عدالت تنها به اعاده آبرو برای مرتکبان نقض فاحش حقوق بشر می انجامد. طرف های بین المللی باید به مسئولیت ها و تعهدهای خود پایبند باشند، به مردم افغانستان در برخورد آشکار با نقض حقوق بشر در گذشته و حال کمک کنند. مصالحه در خلأ امکان پذیر نیست: قیدهایی ذکر شده در قانون اساسی افغانستان، قوانین ملی و تعهدات بین المللی باید مانع مذاکره با جریان هایی - مثل طالبان - که متهم به نقض فاحش حقوق بشر هستند و به شدت با حقوق بشر مخالفت می نمایند، شود.

### اصل ۱: در کنفرانس بن از بازگشت طالبان به قدرت حمایت نکنید

در صورت محدود شدن فرایند مصالحه به گفتگوهای نمایشی بین دولت مورد حمایت بین المللی که به سرعت حمایت مردمی را از دست می دهد از یک طرف و طالبان که قصد دارند شرایط خود را بر مذاکرات و ایدئولوژی سرکوبگرانه خود را بر جامعه افغانستان تحمیل کنند، صلح و عدالت در افغانستان تامین نخواهد شد. راه حل های کوتاه بینانه ...  
ادامه در صفحه (۲)



زادندهای سریع یک بار دیگر پایگاهی امن برای فعالیت های بنیادگرایانه در قلب آسیا ایجاد خواهد کرد و پیامدهای آن برای حقوق بشر مردم افغانستان آسیب آور و خطرناک خواهد بود. این باور که معامله با طالبان هم زمان با تضمین حقوق بشر اساسی ممکن است، تصویری فریب دهنده است. همان طور که در زیر تاکید شده،<sup>۱</sup> طالبان پیوسته در جنایت و نقض حقوق بشر، به ویژه حقوق زنان، شرکت داشته اند. این ادعا که طالبان از حمایت مردمی برخوردار هستند به مستخره گرفتن نهادهای دموکراتیک افغانستان و نیز ابراز اراده واقعی و منظم مردم علیه طالبان در طی سالیان گذشته - به ویژه در چهار انتخابات - است. طالبان را به وضوح نمی توان گروه سیاسی سازمان یافته ای دانست که توانایی اجرای مسئولیت های سیاسی، تضمین رفاه عمومی مردم و تقویت نهادهای دموکراتیک دارد.

### توصیه:

• دولت افغانستان، متحدان منطقه ای آن، سازمان ملل و کشورهای دموکراتیک حاضر در کنفرانس بن نباید به طالبان اجازه دهند شرایط یا ایدئولوژی سرکوبگرانه خود را بر توافق نهایی کنفرانس تحمیل کنند. حقوق بشر اساسی قابل مذاکره نیست. طالبان باید فوراً به جنگ پایان دهند. تنها در صورتی باید طالبان را به عنوان طرف گفتگو پذیرفت که به قانون اساسی افغانستان، قوانین جاری و تعهدات بین المللی افغانستان احترام کامل بگذارند و آنها را رعایت کنند. طالبان این کار را نمی کنند و هرگز نخواهند کرد.

### اصل ۲: نهادهای دموکراتیک و به ویژه نظام عدلی را تقویت کنید، و تفکیک واقعی قوا را به اجرا بگذارید

برای صلح پایدار و معقول در افغانستان، حمایت شدید از نهادهای دموکراتیک، مجامع انتخابی آن و تفکیک درست و عملی قوا الزامی است. قوه مجریه به مدتی طولانی امکان یافته بر قوه تقنینیه و قوه قضاییه مسلط باشد و این به بهای عملکرد سالم دستگاه دولتی افغانستان تمام شده است. نظام عدلی از منابع، نیروی انسانی و آموزش کافی برخوردار نیست و پیوسته در تمام سطوح گرفتار مداخله سیاسی است. به ویژه بازمینی جامع اختیارات دیوان عالی و دادستانی کل برای قطع کامل پیوندهای نزدیک قوه قضاییه با قوه مجریه الزامی است. بدتر شدن وضع نظام رسمی عدلی نه تنها به شورش دامن زده و تمام نهادهای دیگر را تضعیف کرده، بلکه با شگفتی بر نظام عدلی غیررسمی تاثیر گذاشته که به حقوق بشر یا موازین قانون اساسی پایبند نیست. به علاوه، این نظام در دام بازی های سیاسی و اعمال فشار و نیز تفسیرهای به شدت محافظه کارانه از قانون شرع افتاده بدون این که تضمینی برای حقوق اساسی، به ویژه حقوق زنان، وجود داشته باشد. تعهد مداوم به برقراری حاکمیت قانون در سراسر کشور ضروری است. تمام حقوق موجود در قانون اساسی افغانستان و معاهده های بین المللی که افغانستان عضو آنهاست باید از طریق قانون گذاری و توسعه بخش های امنیت و قضایی به اجرا گذاشته شود. تقلب گسترده انتخاباتی نباید در آینده مجاز شناخته شود.

### توصیه ها:

• خروج تدریجی نیروهای بین المللی باید با نمایش تعهد جدی جامعه بین المللی به حمایت از نهادهای دموکراتیک در سراسر کشور (شامل نظام عدلی) و ظرفیت سازی در درون نیروهای امنیت ملی همراه شود. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سازمان های حقوق بشری دیگر باید از حمایت مناسب برخوردار شوند و استقلال آنها تضمین شود. توصیه های کمیشنر حقوق بشر سازمان ملل در گزارش سالانه ۲۰۱۱ و در حمایت و تقویت ظرفیت سازی در کشور از طریق هیئت یاری رسانی سازمان ملل متحد (یوناما) باید به اجرا گذشته شود.

• دولت افغانستان در همکاری با جامعه بین المللی و زیر نظارت آن باید با فساد فرآگیر که مانع کارکرد درست نهادهای دموکراتیک انتخابی می شود مبارزه نماید. جامعه بین المللی در آینده باید ناظران مستقل را مأمور تقویت فرایند بازرسی و جلوگیری از تقلب انتخاباتی نماید.

### اصل ۳: از حقوق زنان در قانون و عمل حمایت کنید

عدالت در افغانستان به معنای لغو تمام قوانین و عملکردهای است که زنان را مورد تبعیض قرار می دهند. این کار به معنای خاتمه دادن به سنگسار، شلاق، ازدواج اجباری و ازدواج کودکان، حمله با اسید، «بد دادن» دختران و زنان برای حل درگیری ها، قتل های به اصطلاح «ناموسی» و شکل های دیگر بدمردانگی جسمانی و روانی است. این کار به معنای مبارزه با معافیت از مجازات به خاطر خشونت علیه زنان و تضمین امنیت زنان و دختران و نیز دسترسی کامل آنها به نظام عدلی مستقل در سراسر کشور است. رعایت کامل تعهدات بین المللی حقوق بشری، شامل تعهدات مربوط به کنوانسیون رفع تمام شکل های تبعیض ضد زنان (CEDAW)<sup>۲</sup> و اجرای موثر ماده ۲۲ قانون اساسی افغانستان حیاتی است. حقوق زنان را نمی توان در خلأ تضمین کرد: حمایت از این حقوق فی نفسه با ایجاد کشوری دموکراتیک و نهادهای دموکراتیک قوی و کاملاً فعال مرتبط است.

### توصیه ها:

• جامعه بین المللی باید حضور نمایندگان زنان را در تمام مراحل گفتگوی صلح تضمین نماید. بر اساس قطعنامه ۱۳۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد، زنان باید در اجرای توافق های ناشی از مذاکره نماینده داشته باشند. دولت افغانستان باید برای اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ یک برنامه عمل ملی تصویب نماید، زنان را به پست های کلیدی دولت منصوب کند و حضور نمایندگان زنان را در هیات های سیاسی و تصمیم گیرنده تضمین نماید.

• دولت افغانستان باید فوراً تمام قوانین تبعیض آمیز علیه زنان را لغو نماید. این اقدام باید شامل لغو قانون احوال شخصیه اهل تشیع، مقررات مربوط به ازدواج، مواد تبعیض آمیز قانون کیفری، قوانین مالکیت و قوانین تبعیض آمیز سنتی باشد. با حمایت جامعه بین المللی باید گام هایی برای پایان دادن به استفاده از دادگاه های موازی غیررسمی برداشت و دسترسی کامل زنان را به نظام رسمی عدلی تضمین کرد. دولت باید قوانینی را برای حمایت از زنان در مقابل تبعیض در تمام سطوح تصویب کند و در اشتراک با دیوان عالی کشور و دادستانی کل اجرای قانون منع خشونت علیه زنان را به عنوان تنها ابزار اصلی دولت برای پایان دادن به رویه

های مضر تقویت نماید. دولت باید از تمام امکانات در همکاری با جامعه بین المللی برای بهبود دسترسی زنان به خدمات اساسی اجتماعی مثل بهداشت و آموزش در سراسر کشور استفاده کند.

### اصل ۴: راه کارهای عدالت در گذار ایجاد و با معافیت از مجازات مبارزه کنید

عدالت به معنای ایجاد راه کارهای عدالت در گذار (احتمالاً با الهام از تجربه های موفق بین المللی) است. برای پایان دادن به معافیت از مجازات است که در چند دهه گذشته جامعه افغانستان را تضعیف کرده است. تمام اشخاصی که مسئول نقض فاحش حقوق بشر هستند باید مورد تحقیق و پیگرد قرار بگیرند. بسیاری از این اشخاص امروزه در پست هایی هستند که به آنها امکان می دهد باز هم مرتکب نقض حقوق بشر بشوند. بنابراین، راه کارهای بازرسی و حساب خواهی در انتخابات و نهادهای دولتی باید تقویت شود. ضرر قربانیان باید جبران شود. این الزام ها عناصر اساسی در موفقیت آینده افغانستان نیرومند و دموکراتیک به شمار می روند. حق قربانیان برای دانستن حقیقت، عدالت و جبران باید مورد احترام قرار گیرد و به درستی اجرا شود. نقش دادگاه بین المللی کیفری (ICC)، که اساسنامه آن را افغانستان در سال ۲۰۰۳ تصویب کرده، در این چارچوب بسیار مهم است. دادستانی این دادگاه در پنج سال گذشته وضعیت افغانستان را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است: دادگاه بین المللی کیفری باید بدون تاخیر بیشتر در باره شروع تحقیقات کامل تصمیم بگیرد و اصل متمم را به اجرا بگذارد.

### توصیه ها:

• سازمان ملل متحد باید جنایت های بین المللی طالبان و گروه های دیگر را در افغانستان مورد تحقیق جدی قرار دهد و مستند سازی نماید، و چارچوب مستحکمی را برای استقرار راه کارهای عدالت در گذار پیشنهاد کند و به اجرا بگذارد.

• دادگاه بین المللی کیفری باید در باره تحلیل مقدماتی دادستانی اعلام نظر کند. در صورتی که ناتوانی و بی میلی راه کارهای قضایی کشور برای رسیدگی و پیگرد صحیح مرتکبان جنایت ها ادامه یابد، دادگاه بین المللی کیفری باید جنایت های انجام شده در افغانستان از سال ۲۰۰۳ را مورد تحقیق قرار دهد. دادگاه بین المللی کیفری به این ترتیب به نیاز عاجل قربانیان برای جبران پاسخ خواهد داد و در پایان یافتن دور باطل معافیت از مجازات سهم خواهد داشت

• دولت افغانستان و حامیان بین المللی آن باید با تبدیل راه کارهای عدالت در گذار به موضوع بحث عمومی و صلاحیت، پیمان خود با مردم افغانستان را تجدید کنند. دولت باید برنامه عمل صلح و مصالحه برمحور قربانیان را که ابتدا در سال ۲۰۰۵ تدوین شد اجرا کند. قانون عفو و ثبات ملی باید لغو شود زیرا به وضوح خلاف مقررات قانون اساسی و تعهدات دولت در معاهده های بین المللی است.

### اصل ۵: تعهدات حقوق بشری مندرج در اختیارات حمایت بین المللی را به طور کامل به اجرا بگذارید

جامعه بین المللی باید استراتژی خود در افغانستان را به طور کامل مورد بازمینی قرار دهد. این جامعه باید از طریق سیستم سازمان ملل متحد برنامه مستحکم و بلندپروازانه ای را برای حمایت از حقوق بشر و ترویج آن در سراسر کشور مورد پشتیبانی قرار دهد. در مورد تهدیدهای مشخص علیه مدافعان حقوق بشر و شهروندان افغانستان باید حمایت کامل، شامل حق پناهندگی، تامین شود. مأموریت نیروهای مشترک بین المللی همکاری و تامین امنیت (ISAF) که در سال ۲۰۰۱ در شرایط بسیار ویژه ای تعریف شده است تا سال ۲۰۱۴ به پایان می رسد. مرگ غیرنظامیان، قتل های هدف مند و رویه های غیرانسانی مثل شکنجه و بازداشت غیرقانونی زیر مسئولیت نیروهای ISAF یا نیروهای بین المللی باید فوراً پایان یابد و مرتکبان آنها به طور منظم به دست عدالت سپرده شوند. همان نیروها باید فوراً پاسخگویی خود را تقویت کنند و امکان دسترسی به عدالت و جبران را برای غیرنظامیان مضر بهبود ببخشند.

### توصیه ها:

• نیروهای بین المللی نظامی و نیروهای امنیتی افغانستان بر اساس توصیه های کمیشنر حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش سالانه ۲۰۱۱ او باید ایجاد سیستم هایی را تضمین کنند که حوادث منجر به تلفات غیرنظامی و بدمردانگی بین المللی به طور کامل مستندسازی و با تحقیقات معتبر و شفاف پیگیری شود. تمام اشخاص مضر باید جبران متناسبی (شامل تضمین عدم تکرار و جبران خسارت، پوشش خواهی، تحقیقات، اقدامات صریح برای به رسمیت شناختن قربانی) دریافت نمایند. جبران خسارت باید بلافاصله، به طور یکسان و منظم در اختیار قربانیان غیرنظامی تلفات ناشی از جنگ و نقض حقوق بشر قرار گیرد.

• جامعه بین المللی باید از طریق سیستم سازمان ملل متحد فوراً مسئولیت حمایتی را که در گزارش دبیرکل (۳۳/۲۰۰۹ of) توصیه شده به اجرا بگذارد. جامعه بین المللی باید به دولت افغانستان برای انجام این مسئولیت کمک کند و ظرفیت های حمایتی آن را بسازد. در صورتی که دولت افغانستان از حمایت مردم خود در مقابل نسل کشی، جنایت های جنگی، پاکسازی قومی و جنایت های علیه بشریت ناتوان یا بی میل به این کار باشد، جامعه بین المللی باید آماده اقدام جمعی «به موقع و قاطع» از طریق شورای امنیت و براساس منشور سازمان ملل متحد باشد.

### اصل ۶: به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم افغانستان احترام بگذارید و الگوی ادامه پذیری

عدالت به معنای ایجاد الگوی ادامه پذیری برای توسعه در افغانستان در هماهنگی با حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تمام مردم افغانستان با گوناگونی هایشان است. توسعه اقتصادی باید عادلانه باشد و به بازتوزیع ثروت بیانجامد. تعهد جامعه بین المللی به حمایت از توسعه فوری و بلندمدت افغانستان و ارایه کمک بشردوستانه، به نسبت نیاز، باید با اصول حقوق بشر که در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شده سازگار باشد.

### توصیه:

• کشورهای تمویل کننده باید اطمینان حاصل نمایند که کمک برای توسعه به جای پیروی از اهداف امنیتی و نظامی که در خدمت منظم به مردم نیست، به نیازهای ارتباط داشته باشد که در مشورت با جامعه مدنی، شامل زنان، تعریف می گردد. تمام ساختارهایی که کمک های غیرنظامی را به کمک های غیرنظامی پیوند می زند باید هرچه زودتر در طی فرایند گذار برچیده شود.

۱ - نگاه کنید به پیوست «طالبان کیستند؟»

۲ - افغانستان این کنوانسیون را در سال ۲۰۰۳ تصویب کرده است

ادامه از صفحه ۱)

### طالبان؛ کارنامه نقض حقوق بشر

کشتار مزار شریف

نیروهای طالبان چند ساعت پس از تسخیر مزار شریف ده ها نفر از غیرنظامیان را در حملات کور، تیراندازی در مناطق مسکونی، خیابان ها و بازارچه های شهر کشتند. به گزارش دیده بان حقوق بشر، صد ها نفر غیرنظامی در میان کشته شدگان بودند.

### پناه گرفتن در پشت غیرنظامیان

گزارش های شاهدان عینی به دیده بان حقوق بشر تایید می کند که پناه گرفتن در پشت غیرنظامیان برای محافظت مناطق یا نیروها از حمله نظامی در موارد مختلف رخ داده است. نیروهای طالبان در ۱۶ جون ۲۰۰۷ به چند دهکده در ولسوالی چوری در ولایت ارزگان حمله کردند. نیروهای ناتو و دولت افغانستان با آنها وارد جنگی شدند که تا ۱۹ جون ادامه یافت. زمانی که طالبان وارد دهکده ها شدند به مردم گفتند باید در جنگ با نیروهای دولت افغانستان شرکت کنند وگرنه کشته می شوند. در منطقه سراب، طالبان گویا ۳۰ غیرنظامی را اعدام کردند.

### زنان در رژیم طالبان و حمله به زنان

رفتار سرکوبگرانه طالبان با زنان در سال های ۲۰۰۱ - ۱۹۹۶ به خوبی مستند شده است. تبعیض در زمینه آموزش، اشتغال، آزادی حرکت و مشارکت سیاسی، خشونت جنسی شامل سنگسار به اتهام زنا. در ادامه جنگ در سال های اخیر، زنان باز مورد حمله و تهدید طالبان و گروه های شورشی دیگر قرار می گیرند. در این سال ها، زنان فعال در کارهای کمکی و بهداشتی، نامزدهای انتخاباتی، معلمان، فعالان حقوق زن و زنان مدافع حقوق بشر مورد حمله قرار داشته اند که در بعضی موارد به مرگ آنها انجامیده است. مدارس دخترانه و معلمان آنها نیز قربانی حمله بوده اند.



در طول جنگ های داخلی افغانستان، جناح های مختلف مسلح، به ویژه طالبان و نیروهای اتحاد شمال بارها به طور جدی حقوق بین المللی بشر و حقوق بین المللی بشردوستانه را نقض کردند. زنان بیشترین صدمه را از این خشونت و تبعیض دیدند. در طول جنگ، طالبان و گروه های تشکیل دهنده جبهه متحد پیشین زنان را مورد تجاوز قرار دادند، ربودند و به زور با آنها ازدواج کردند؛ زنان هم از نگاه جنسی و هم قومی قربانی شدند.

### قانون نظامی طالبان

در ماه رمضان سال ۱۳۸۵، وزیر دفاع پیشین طالبان حاجی عبدالله آیین نامه نظامی طالبان با عنوان «لایحه» را که دارای ۳۰ اصل است در شورای عالی طالبان به نام رهبری شورا پخش کرد. این کتابچه سه بخش اساسی دارد: رفتار با «دشمنان»؛ انضباط و رفتار سربازان؛ و اجرای عدالت. بعدا این کتابچه در میان جنگجویان نیز پخش شد ولی معلوم نیست آنها تا چه حد به آن رجوع می کنند. این مقررات توجهی به حقوق بین المللی بشر ندارند؛ توضیح نمی دهند غیرنظامی کیست و حرف چندانی در باره محافظت از غیرنظامیان نمی زند. برخلاف حقوق بین المللی بشردوستانه که رفتار انسانی با غیرنظامیان و اشخاص غیرفعال در درگیری ها را در تمام شرایط مقرر کرده است، آیین نامه نظامی طالبان تنها امنیت جان و مال کسانی را تضمین می کند که از کافران روی برگردانند. بر اساس اصل ۲۵، معلمی را که هشدارهای طالبان را نادیده می گیرد و به تدریس ادامه می دهد باید ضرب و شتم کرد و در صورت تدریس برخلاف اصول اسلام، فرماندهان و رهبران طالبان گروه باید او را به قتل برسانند. برطبق اصل ۲۶ سازمان های غیردولتی و فعالان بشردوستانه را باید مورد حمله قرار داد؛ «با سازمان ها و نهادهای غیردولتی که تحت نظر دولت کافران به افغانستان می آیند، باید همان طور رفتار شود که با دولت رفتار می شود. آنها به بهانه کمک به انسان ها می آیند اما در واقع بخشی از رژیم هستند. به همین دلیل ما هیچیک از فعالیت های آنان را تحمل نمی کنیم، خواه این فعالیت ها ساختن خیابان ها و پل ها و کلینیک ها و مدرسه ها (حتی مدارس قرآن) باشد، خواه هر چیز دیگر. در صورتی که مدرسه ای با وجود اخطار قبلی به کار خود ادامه دهد، به آتش کشیده می شود. اما قبل از به آتش کشیدن آن باید کتاب های مذهبی در جای امنی قرار گیرند.»

### حمله به مدارس و معلمان

با وجود افزایش پنج برابر تعداد کودکان دانش آموز پس از سقوط طالبان، بنا به آمار آکسفام، هنوز هفت میلیون کودک در آموزش رسمی شرکت ندارند.

اصل ۷: احترام به حقوق بشر همزمان با پیشبرد امنیت منطقه ای و مبارزه با تروریسم بین المللی احترام به حقوق بشر باید هسته اساسی هر توافق همکاری بین المللی برسر پیشبرد امنیت منطقه ای و مبارزه با تروریسم بین المللی بین دولت افغانستان و کشورهای همسایه و جامعه بین المللی را تشکیل دهد.

### توصیه ها:

- کمیته های مربوطه شورای امنیت سازمان ملل متحد، سازمان های بین المللی و گروه های کارشناسان، شامل کمیته ای که پیرو قطعنامه ۱۲۶۷ شورای امنیت (۱۹۹۹) تشکیل شد، کمیته ضدتروریسم (CTC)، اداره مواد مخدر و جنایت سازمان ملل متحد، اداره اجرایی ضدتروریسم (CTED) باید نهادهای متناسبی را تشکیل دهند و به روشی شفاف راهکارهای موثری را برای احترام کامل به حقوق بشر در عین پیشبرد امنیت منطقه ای و هماهنگ کردن مبارزه با تروریسم بین المللی در میان تمام طرف های ذینفع به اجرا بگذارند.
- در زمینه آخرین قطعنامه شورای امنیت در باره تروریسم بین المللی و خطر آن برای افغانستان، شورای امنیت باید از به روز کردن منظم فهرست تحریم های سازمان ملل علیه طالبان و افراد دیگر، گروه ها و موسسه های مربوط به آنها اطمینان حاصل نماید. در صورت تداوم تردید در باره مقاصد و رفتار طالبان تعیین شده، همان طور که در همان قطعنامه تصریح شده، شورای امنیت نباید با عجله اسامی افراد را از فهرست حذف کند.

\*\*\*\*\*

### پیوست: طالبان کیستند؟

در چند سال گذشته، تعداد غیرنظامیانی که به دست طالبان کشته شده اند سیر تصاعدی داشته است. براساس گزارش ها ۷۵٪ درصد از تلفات غیرنظامی در سال ۲۰۱۰ قربانیان طالبان بودند. در نیمه اول ۲۰۱۱ نیروهای طالبان ۱۱۶۷ را کشتند. به علاوه، شواهد رو به رشدی در دست است که اغلب انواع نقض حقوق بشر و محدودیت های آزادی های اساسی که پیش از ۲۰۰۱ در رژیم طالبان رایج بود در مناطقی که طالبان حضور دارند دوباره رواج یافته است. طالبان که در چند سال گذشته مدارس را با بمب مورد حمله قرار داده اند و با اسید به دانش آموزان دختر حمله کرده اند، از ارباب و تهدید علیه مردم استفاده می کنند. طالبان در تاریخ ۱۶ اگوست ۲۰۱۰ (۲۵ سنبله ۱۳۸۹) با سنگسار کردن زوج جوانی که برای پرهیز از فشارهای خانوادگی با هم فرار کرده بودند، اعدام در انتظار عمومی به وسیله سنگسار را از سر گرفتند. موارد مشابه متعددی از خشونت و اعدام های فوری رخ داده است. در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۱ (۲۰ قوس ۱۳۹۰)، گروهی از مردان مسلح یک زن و دخترش را در ولایت غزنی، در ۳۰۰ متری دفتر والی در شهر غزنی، سنگسار کردند و سپس به ضرب گلوله کشتند. این منطقه در اولویت انتقال کنترل امنیتی به افغانستان قرار دارد. مادر سنگسار شده به «انحراف اخلاقی و زنا، متهم شده بود. طالبان کنترل راه های اصلی را در بسیاری از مناطق محل های حضورشان را در اختیار دارند و از مردم مالیات می گیرند. طالبان که قانونی بودن دولت را نفی می کنند، کارکنان نهادهای دولتی را هدف قرار داده، کشته یا زندانی کرده اند. بعضی از مسئولان محلی را گردن زده اند. طالبان تلفن های همراه، دوربین های ویدیویی و موسیقی را ممنوع و فقط ایستگاه های رادیویی طالبان را مجاز کرده اند که به پخش سرودهای مجذوب کننده می پردازند.

در رژیم طالبان (۲۰۰۱ - ۱۹۹۶)، از تنبیه بدنی استفاده می شد. یکی از جنبه های به ویژه خشن حاکمیت طالبان اجرای عدالت بر اساس تفسیر افراطی از شرع اسلام و قانون قبلی بود. اعدام های منظم در انتظار عمومی، شلاق و سنگسار در ورزشگاه ها یا در پارک های مشخصی انجام می شد. دزدان به مدت چند روز از دست و پایشان به درخت آویخته می شدند. زنان، به ویژه در صورت رفتار یا پوشاک نامناسب، هدف طالبان قرار داشتند. برقع لباس اجباری بود و پوشیدن کفش های پاشنه دار ممنوع شده بود. مدارس دخترانه در سراسر کشور تعطیل شد و زنان، از جمله زنان بیوه بدون درآمد خانوادگی، از کار کردن منع شدند. پنجره های خانه ها سیاه رنگ شده بود تا کسی نتواند زنان را ببیند.

از ویژگی های رژیم طالبان محدودیت های شدید بر آزادی های اساسی و مقررات تحمیلی بود. طالبان به تمام کسانی که نام های غیراسلامی داشتند دستور داده بودند نامشان را تغییر بدهند. مردان اجازه نداشتند صورتشان را براهشند یا ریششان را کوتاه کنند (ریش باید به حدی رشد می کرد که در زیر چانه یک مشت بسته بیرون بیاید)؛ همه مردم باید پنج بار در روز در مساجد نماز می خواندند وگرنه دستگیر و مجازات می شدند. هر کسی که دین خود را از اسلام به دین دیگری تغییر می داد اعدام می شد. اقلیت های غیرمسلمان و شیعه ها باید نشانه خاصی را بر خود نصب می کردند یا یک تکه پارچه زرد را بر لباسشان می دوختند تا از اکثریت اهل سنت متمایز شوند. پراندن گودی، نگهداری پرند یا کارهای دیگری که غیراسلامی محسوب می شد ممنوع شده بود. متخلفان به زندان می افتادند.

طالبان به گروه های دیگر قومی و اقلیت های دینی حمله می کردند. هزاره ها و اهل تشیع، تاجیک ها و ازبک ها، به ویژه با بدرفتاری و سرکوب روبرو بودند. بسیاری از گروه های مردم بر این باور هستند که هدف کلی طالبان نابود کردن هزاره ها و بیرون راندن آنها از افغانستان بوده است. طالبان برای اسارت و کشتن هزاره ها حتا از نیرنگ استفاده می کردند. ظاهرا به علت وجود مجسمه های بودا در بامیان، طالبان گمان می کردند هزاره ها بودایی هستند. هزاره ها کافر محسوب می شدند - غیرسنی ها باید جزیه بپردازند - و طالبان کشتن هزاره ها را بخشی از جهاد می دانستند. در جولای ۱۹۹۸، طالبان به مدت ۶ روز در شهر مزار شریف خانه به خانه به جستجوی مردها پرداختند و در حدود ۲۰۰۰ غیرنظامی هزاره را اعدام کردند. هزاران زندانی در کانتینرهای فلزی بر روی کامیون به جاهای دیگر منتقل شدند که در نتیجه آن بسیاری یا خفه شدند یا در اثر گرمزدگی جان باختند. بیشترین و گسترده ترین مهاجرت هزاره ها به کشورهای همسایه در زمان طالبان صورت گرفت که نشان دهنده وخامت وضع در آن زمان است.

همان طور که در تخریب مجسمه های بودا در مارچ ۲۰۰۱ دیده شد، طالبان مشروعیت هنر، نقاشی، موسیقی، شعر و میراث نسل های متعدد را انکار کردند. آنها فیلم ها و نوارهای ویدیویی را در انتظار عمومی سوزاندند، پخش برنامه های تلویزیونی را ممنوع کردند، عکس های افراد را پاک کردند و عکس نسخه های خطی موجود در موزیم کابل را سوزاندند. در سال ۱۹۹۷، در دوران هجوم طالبان به کتاب ها از جمله در کتابخانه دانشگاه کابل، آنها ۵۰۰۰۰ جلد آرشیف و نسخه خطی دانشگاه حکیم ناصر خسرو را در پل خمیری در ولایت بغلان آتش زدند. هر کسی که متن های ادبیات قابل ایراد در اختیار داشت اعدام می شد.

3- SS/RES/1988 of 17 June 2011

<http://www.fidh.org/%D9%87%D9%81%D8%AA-%D8%A7%D8%B5%D9%84-%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3%D8%BC-%D8%B5%D9%84%D8%AD>

\*\*\*\*\*

ادامه از صفحه قبلی  
**طالبان؛ کارنامه قضی...**

کشته یا زخمی شده اند. حمله های انتحاری یکی از تاکتیک های روزانه طالبان است. این حمله ها چه علیه اهداف نظامی و چه غیرنظامی باشد، معمولاً به کشته یا زخمی شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان حاضر در نزدیکی می انجامد. در بعضی موارد حمله به اهداف نظامی باعث تلفات بسیار زیادی بر غیرنظامیان شده است. اما در موارد دیگری حمله ها علیه غیرنظامیان انجام شده که در عملیات نظامی شرکت مستقیم ندارند، مثل پولیس، کارمندان، سفرا و افراد عادی.

کتابچه «الایه» طالبان به حمله های انتحاری اشاره ای ندارد. این موضوع در سند ۴۹ صفحه ای دیگری مورد بررسی قرار گرفته که در آن بمب گذاری های انتحاری بر اساس تفسیر جهاد در قرآن، حدیث و احکام اسلامی در مکاتب مختلف اسلامی مشروع قلمداد می شود.

**آدم ربایی و قتل**

طالبان و گروه های مسلح دیگر با اهداف مختلف گروگانگیری کرده اند، از جمله وادار کردن دولت های خارجی به بیرون بردن نیروهایشان یا وادار کردن شرکت های خارجی به پایان دادن به فعالیت های اقتصادی در افغانستان. یک نوار ویدیویی به نام سرنوشت جاسوسان یکی از فرماندهان طالبان به نام ملا دادالله را نشان می دهد که پنج نفر را به اتهام جاسوسی گردن می زند. به گزارش بعضی روزنامه ها هشت نفر از اسیران که گویا برای «مسیحیان و صلیبیون» کار میکردند به عنوان «جاسوس» کشته شدند.

منابع: با استفاده از گزارش غفو بین الملل ۱۰ اگوست ۲۰۱۰؛ گزارش های دیده بان حقوق بشر، ۱۹ فبرور ۲۰۱۱ و ۱۰ نومبر ۱۹۹۸؛ و گزارش دیده بان حقوق بشر با عنوان Troops in Contact، ۸ سپتمبر ۲۰۰۸

**نگاهی بر قانون اساسی طالبان در مقایسه با قانون اساسی افغانستان**

**در قانون اساسی افغانستان:** در گام نخست حاکمیت از آن مردم است، قوای سه گانه حق مداخله در امور یکدیگر را ندارند، رئیس جمهور با اکثریت آرای مستقیم مردم انتخاب می شود، انتخابات در فضای آزاد و سری برگزار می شود، اعضای دو مجلس را به استثنای یک سوم اعضای مشرانو جرگه که از جانب رئیس جمهور انتخاب می شوند مردم انتخاب می کنند، رئیس جمهور دارای دو معاون است و بیشتر از دو دوره ریاست جمهوری نمی تواند خود را نامزد کند. با وجود این که محاکمه رئیس جمهور مراحل دشواری دارد اما حد اقل در قانون پیش بینی شده است. رئیس جمهور در برابر مردم و نمایندگان مجلس مسوول است. همچنین شوراهای ولایتی و شوراهای ولسوالی از امور اداری ولایات و ولسوالی ها نظارت می کنند و به آن ها مشورت می دهند.

**حقوق شهروندی**

**در قانون طالبان:** در زمینه حقوق شهروندی در برخی موارد اشاره هایی شده است: به طور نمونه گرچه شکنجه به صراحت منع نشده، برای کسانی که شکنجه کنند مجازات تعیین شده است. توقیف های خودسرانه منع شده، حق مالکیت و مال به رسمیت شناخته شده، کار اجباری ممنوع است، حق تحصیل وجود دارد و... اما از جانب دیگر قیدهای شدیدی را وضع می کند که حقوق شهروندی را کاملاً منتفی می سازد. در این قانون از میان مذاهب رایج در کشور (اسلامی - غیر اسلامی) تنها مذهب حنفی اسلام به عنوان مذهب رسمی به رسمیت شناخته شده است. در باره آزادی های دینی - مذهبی و احوال شخصیه سایر مذاهب اشاره ای نشده است.

در ماده ۹ این قانون آمده است: «امارت اسلامی افغانستان دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک و جبهه برای همه» دانسته و امارت را مکلف به وضع قانون شرعی برای تطبیق آن می نماید. ماده ۳۴ در باره آزادی بیان می گوید: «آزادی فکر و بیان در محدوده ی شریعت اسلام از تعرض مصون است، هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته یا امثال آن مطابق به احکام قانون اظهار نماید.» اما در ماده ۴۲ آمده است: «(۱) رعایت کامل قوانین اسلامی در زندگی فردی، فامیلی و اجتماعی، پیروی از احکام این دستور و سایر قوانین امارت، رعایت نظم و امن عامه و صیانت منافع امارت اسلامی و جبهه ی تمام مردم افغانستان است. (۲) دعوت به افکار غیراسلامی ممنوع است. متخلفین خارجی و داخلی به مجازات شرعی محکوم می گردند.»

**در قانون اساسی افغانستان:** در ماده دوم با وجود این که دین رسمی اسلام است، پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان آزاد هستند.

در ماده ۲۴ قانون اساسی افغانستان آمده است: «آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد. آزادی، کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.»

در ماده ۳۳ نیز آمده است: «اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شلدن را دارا می باشند.» ماده ۳۴ می گوید: «آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارایه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد.»

**تبعیض در میان شهروندان**

**در قانون طالبان:** در زمینه آموزش و پرورش در قانون اساسی طالبان میان شهروندان کشور تبعیض وجود دارد: ماده ۱۲ و ۱۳ تدریس زبان عربی که زبان قرآن خوانده شده را به صورت اختصاصی انکشاف می دهد و تدریس کتب عربی هم با طرز العمل علمای حنفی اجرا می شود.

در ماده ۳۹ در زمینه آموزش و پرورش برای زنان آمده است: «تعلیم نساوان در حدود شریعت اسلام توسط قانون خاص تنظیم می گردد.» اما هیچ قانونی در این زمینه در سال های حکومت طالبان تصویب نشد و زنان کاملاً از حق آموزش محروم شدند.

به اساس ماده ۴۳ «حجاب شرعی واجب الرعايت است.» و بر پایه بند ۱۲ ماده ۶۵ یکی از وظایف حکومت «تعمیل حجاب به وجه شرعی» است. در این قانون در باره ی کار زنان در بیرون از منزل و مشارکت آنها در

گروه تروریستی طالبان پس از جنگ های داخلی دهه ۸۰ و ۹۰ کابل را اشغال کرد و بالاخره در سال ۲۰۰۱ به وسیله نیروهای خارجی و جبهه متحد متحد ملی افغانستان دوباره از افغانستان رانده شد. «خطره جمعی» مردم افغانستان هنوز آن دوره ی سیاه را به یاد دارد.

طالبان در آغاز قانون اساسی نداشتند. آن ها بر این باور بودند که وقتی قرآن و شریعت وجود دارد، نیازی به قانون دیگری نیست. تا این که در ۲ جولای ۱۹۹۸ به اساس فرمان شماره ۱۸ ملا محمد عمر، مقرر گردید: «همه قوانین و مقررات کشور به سرپرستی ستره محکمه از نظر علما گذرانیده شود. ماده های غیر شرعی و غیر مذهبی از آن حذف گردد.» و قانون اساسی زیر نام «اصول اساسی»، «اساس نامه» یا «دستور نامه» تحت سرپرستی دادگاه عالی طالبان (ستره محکمه) تهیه شود. این قانون به وسیله شورایی به نام اهل حل و عقد» که در راس آن شخص ملا عمر قرار داشت به تصویب رسید. همان قانون بار دیگر در ۲۳ جون ۲۰۰۵ به تصویب رسید.

این دستور نامه که به دو زبان فارسی و پشتو نوشته شده است و از لحاظ نوشتاری به قوانین معمولی شباهت دارد، دارای ده فصل و ۱۱۰ ماده است.

فصل های این قانون عبارتند از اساسات کلی، حقوق و واجبات اساسی مردم، شورای اسلامی، امیرالمومنین، حکومت، قضا، اداره، نظام اقتصادی و امور مالی، سیاست خارجی و احکام متفرقه است. در این نوشته کوتاه به همه جنبه های این قانون نمی توانیم بپردازیم، تنها به اشاره به چند مسأله مهم در این قانون در مقایسه با قانون اساسی افغانستان بسنده می کنیم.

**نظام سیاسی**

**در قانون طالبان:** در ماده دوم این قانون آمده است: «نظام امارت اسلامی افغانستان بر مبنای نص قرآنی (إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ) استوار است.» و ماده پنجم می گوید: «هیچ قانونی خلاف اساسات شریعت اسلام وضع شده نمی تواند.»

حرف اول و آخر را در نظام سیاسی طالبان شخص امیر المومنین یا امام که منظور ملا محمد عمر و یا جانشین او است، می زند. یکی از شرایط مهم امام حنفی بودن او است.

در ماده ۵۵ صلاحیت های امیرالمومنین چنین شمرده شده است: قیادت اعلی اردوی (ارتش) اسلامی افغانستان، نصب و عزل رئیس الوزرا و وزراء، تفویض برخی صلاحیت ها به شخص دیگر، منظوری وزیران پیشنهادشده ی رئیس الوزرا بعد از تصویب شورای اسلامی و اعلام آن، تعیین رئیس ستره محکمه (دادگاه عالی)، تعیین اعضای ستره محکمه به مشوره ی رئیس ستره محکمه، منظوری نصب و عزل قضات، منظوری ترفیع و تقاعد مامورین و صاحب منصبان عالی رتبه مطابق احکام قانون، تعیین سفرا و نمایندگان در دول خارجی و موسسات بین المللی و قبول اعتماد نامه ها، اعطای القاب، مدال، نشان های افتخاری طبق احکام قانون، اعلام جنگ و صلح بعد از تصویب شورای اسلامی، تمثیل امارت اسلامی افغانستان در مجامع بین المللی در سطح رؤسای دولت ها، توشیح قوانین و صدور فرامین تقنینی، امضای قراردادها و معاهدات بین الدول بعد از فیصله شورای اسلامی، غفو، تخفیف یا تعطیل مجازات مطابق احکام شرعی، توشیح بودجه ی عادی و انکشافی امارت، تدویر جلسه فوق العاده ی وزرا، اعطای تابعیت افغانی طبق احکام قانون، اعطای اجازه رسمی طبع بانک نوت ها، توزیع و نشر آن به پیشنهاد وزارت مالیه، اعلام حالت اضطرار و ختم آن در کشور مطابق احکام قانون بعد از فیصله ی شورای اسلامی.

همچنان بر اساس ماده ۴۶ این قانون، اعضای شورای اسلامی نیز به وسیله امیرالمومنین انتصاب می شوند. در این قانون ولایات کشور به ولایات درجه اول (سه نفر)، ولایات درجه دوم (دو نفر) و ولایات درجه سوم (یک نفر) تعیین می شوند. در حالی که درجه بندی ولایات ها هم معلوم نیست که بر پایه چیست؟ و در باره ی نفوس کشور نیز اشاره ای صورت نگرفته است. اما از ماده ۴۷ مشخص است که مردم نقشی در شورای اسلامی ندارند، چون تمام اعضای آن باید «اهل حل و عقد» باشند. بدین ترتیب، اکثریت قاطع مردم کنار گذاشته شده اند. رئیس شورای اسلامی نیز به وسیله امیرالمومنین از میان اعضا انتخاب می شود. در یک کلیت می توان گفت: امیر المومنین تام الاختیار کشور در تمام عرصه های سیاست داخلی، خارجی، اقتصادی، فرهنگی و کفیری در کشور است. در زمینه پاسخگویی امیرالمومنین در این قانون هیچ اشاره ای نشده است که او در برابر کی پاسخگو است؟



## سرنوشت مغموم صلح و عدالت در افغانستان کارنامه ۱۰ سال حقوق بشر و عدالت انتقالی

گاهی صلح و اجرای عدالت چنان تفکیک ناپذیر و ارتباط آنها چنان عمیق و پیچیده می شود که ممکن است پیمان صلحی هم بسته شود اما از آنجا که زمینه های اجرای عدالت فراهم نیست، آن پیمان بیش از یک ورق کاغذ، ارزش نداشته باشد. در بسیاری از موارد، چنین صلح مصنوعی و گمراه کننده ای به طرز پنهان، زمینه ساز بازگشت به جنگی است که ممکن است با ابعاد خشن تر یا قساوت های باورنکردنی تری مجدداً بروز کند. صلحی که جنایتکاران با هدف تعقیب خواسته های خودخواهانه خود اجباراً به آن تن می دهند، در حالی که از همه قوانین سرباز زده و تمام معیارهای بنیادین قوانین بین المللی را زیر پا می گذارند، نه حقیقی خواهد بود و نه پایدار.<sup>۱</sup> نادیده گرفتن یا وارونه جلوه دادن نقض حقوق بشر اقدامی خطرناک است و هر جامعه ای که آن را می پذیرد دیر یا زود بهای آن را خواهد پرداخت.<sup>۲</sup> این مساله در مورد تمام کشورها و جوامعی که دوره



های جنگ، سرکوب، کودتا و دیکتاتوری را پشت سر گذاشته اند، صدق می کند.

کشور افغانستان حداقل در چند دهه گذشته تجربه چندین جنگ بین المللی و داخلی، نابودی، سرکوب، اعدام های دسته جمعی، شکنجه، ناپدید شدن، بی خانمانی داخلی و مهاجرت های اجباری را از سر گذرانده است. طبق تحقیقات کمیسیون مستقل حقوق بشر ۷۰ درصد از مردم افغانستان خود و یا اقارب نزدیکانشان قربانیان مستقیم جنگ در افغانستان بوده اند.<sup>۳</sup> از سوی دیگر این کشور همچنان در حالت جنگ با مخالفان مسلح به ویژه طالبان است. سوالی که مطرح است این است: جامعه چگونه با میراث برجای مانده از نقض گسترده حقوق بشر و جنایات جنگی برخورد خواهد کرد؟ جنگ چگونه پایان خواهد یافت و این جامعه چگونه به صلح دست خواهد یافت؟ سوال های مذکور در محیطی که منازعات مسلح و نقض حقوق بشر ادامه دارد؛ نهادهای دولتی ضعیف هستند و اعتبار و مشروعیت ندارند و مرتکبین بعضی از این جرائم در میان نخبگان سیاسی قرار دارند، بسیار پیچیده هستند.

توسعه چشمگیر قوانین بین المللی، ایجاد محاکم بین المللی برای رسیدگی به جرائم سازمان ملل، تأسیس محکمه بین المللی جزایی و وضع قوانین قضایی مانند صلاحیت قضایی جهانی، نشان دهنده توافق بین المللی بر لزوم حفظ حقوق فردی و مجازات عاملان نسل کشی، جرائم جنگی و جنایت علیه بشریت است.<sup>۴</sup> دولت موقت افغانستان در سال ۲۰۰۱ و بعد از مداخله نظامی جامعه بین الملل به رهبری امریکا، سقوط حاکمیت طالبان و بر اساس تصمیم اجلاس بن در سپتامبر ۲۰۰۱، که تحت نظارت سازمان ملل برگزار شد تشکیل شد. در موافقتنامه بن علیرغم «تصمیم بر ختم جنگ و ترازیدی در افغانستان و ایجاد آنتی ملی، صلح و ثبات پایدار و احترام به حقوق بشر در کشور»،<sup>۵</sup> توجه چندانی به امر عدالت انتقالی به عنوان یکی از شاهراههای گذار جامعه از خشونت و جنگ به صلح نشد و در پیش نویس آن بندی که اشاره می کرد آداره موقت نباید هیچ نوع عفوی را برای جرایم جنگی یا جرائم ضد بشری به تصویب برساند، رد شد و بلاخره، هیچ نوع اقدامی برای رسیدگی به علت های اساسی یا عواقب جنگ بر میلیون ها افغان صورت نگرفت. در واقع موافقتنامه بین پیمان صلح میان گروههای مبارز نبود بلکه توافقی بود میان رهبران منتخب چهار گروه ضد طالبان که برای سرنگون کردن طالبان متحد شده بودند. همین کاستی ها باعث شد عدالت در مورد آن دسته از امضا کنندگان معاهده بن که از ناقضان حقوق بشر بودند، عملی نشود و این امر زمینه قدرت یابی مجدد این عده را میسر ساخت. آنها بدون هیچ ممانعتی در لویه جرگه اضطراری نیز شرکت کردند و بلاخره موافقت نامه بن و لویه جرگه اضطراری بر توقف خصومت و تأمین معاهده میان احزاب از طریق معامله شریک سازی در قدرت تمرکز نمود. در این روند نیاز مبرم برای تشخیص و تطبیق تغییرات ساختاری، سازمانی و سیستمی جهت تحکیم صلح و جلوگیری از عودت جنگ نادیده گرفته شدند.<sup>۶</sup>

### اقدامات و رویکرد دولت جمهوری اسلامی افغانستان در زمینه عدالت انتقالی

بعد از کنفرانس بن اول اداره موقت به کمک سازمان ملل کمیسیون مستقل حقوق بشر را که وظیفه آن مراقبت از حقوق بشر و تحقیقات ناشی از تعدی بر حقوق بشر بود، تأسیس کرد. پس از ایجاد این کمیسیون، فرمانی از طرف رئیس جمهور کشور صادر شد و کمیسیون صلاحیت یافت تا «مشوره» ملی را اجرا نموده

زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اشاره ای صورت نگرفته است.

از میان زبان های رایج کشور تنها دو زبان فارسی و پشتو به عنوان زبان رسمی در این قانون بیان شده است، آموزش و پرورش نیز تنها به همین دو زبان تطبیق می شود. از سایر زبان های رایج در کشور نام برده نشده است و آن ها نیز باید با یکی از این دو زبان بخوانند و بنویسند.

**در قانون اساسی افغانستان:** در ماده ۴۴ دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف آموزش و پرورش برای زنان پروگرام های موثری را طرح کند. و در ماده ۸۴ رییس جمهور تعداد پنجاه در صد از اعضای انتصابی مجلس سنا را از میان زنان تعیین می نماید و ۲۸ درصد مجلس نمایندگان را زنان تشکیل می دهند.

ماده ۱۶ قانون اساسی افغانستان به مسأله زبان این گونه می پردازد: «از جمله زبان های پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی و پشه یی، نورستانی، پامیری و سایر زبان های رایج در کشور، پشتو و دری زبان های رسمی دولت می باشند. در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبان های ازبکی، ترکمنی، پشه یی، نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم می نمایند، آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می باشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم می گردد. دولت برای تقویت و انکشاف همه زبان های افغانستان پروگرام های موثر طرح و تطبیق می نماید. نشر مطبوعات و رسانه های گروهی به تمام زبان های رایج در کشور آزاد می باشد.»

ماده ۴۳ قانون اساسی افغانستان تعلیم را حق تمام اتباع کشور دانسته و دولت مکلف است که به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام کشور تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام موثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان های مادر را در مناطقی که به آن ها تکلم می کنند فراهم کند.

### حقوق بشر و میثاق های بین المللی

**در قانون طالبان:** گذشته از این که طالبان در عمل چه کردند، ماده ۹۹ قانون اساسی آنها «از منشور ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم انسلاک و اعلامیه حقوق بشر و سایر اصول و مقررات قبول شده» حمایت و پشتیبانی می نماید. اما این حمایت به شدت محدود است به این که آنها «با اصول اسلامی و مصالح کشور تضاد نداشته» باشند. قانون اساسی طالبان با وصفی که معیار برای حمایت و پشتیبانی از حقوق بشر شریعت را عنوان کرده است، هیچ نوع مسؤولیتی برای تطبیق حقوق بشر و میثاق های بین المللی حتا در چارچوب شریعت در نظر نگرفته است. در هیچ جایی این قانون مصالح کشور را تعریف نکرده است.

**در قانون اساسی افغانستان:** در بند اول ماده ۷ دولت مکلف به رعایت حقوق بشر است: «دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند.»

در ماده ۵۸ «دولت برای بهبود، حمایت و نظارت به رعایت حقوق بشر مکلف به تأسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر است.» تمام شهروندان می توانند شکایت خود را به این کمیسیون ارائه کنند.

### شریعت طالبان

شریعت اسلامی در میان مذاهب اسلامی تفاوت هایی دارد، حتا اغلب اختلاف میان مذاهب اختلاف در شریعت است. شریعت طالبان ریشه در نسخه بدل «وهابی گری» در شبه قاره هند دارد که به وسیله شاه ولی الله دهلوی اساس گذاری شده و بعد به شاخه هایی گونه گونه تقسیم شد که یکی از شاخه های آن جماعت العلمای پاکستان به رهبری مولانا فضل الرحمان و مولوی عبدالفضل الحق است که طالبان نیز از پیروان این خط فکری هستند. خلافت ناب اسلامی نیز به وسیله همین تفکر نخستین بار مطرح شده است. از جانب دیگر اندیشه خلافت با فرهنگ قبیله ای طالبان سازگاری دارد. زمانی که طالبان قندهار را اشغال کردند در نخستین اقدام خلیفه تعیین کردند. آن ها باها اعلام کرده اند که: «در افغانستان انتخابات برگزار نخواهد شد؛ چون انتخابات یک تقلید غیر اسلامی است.»

از جانب دیگر باورهای شرعی طالبان به شدت در تضاد با نوآوری ها و دستاوردهای تمدن است. طالبان، با دیکراسی نمایندگی و مشارکت مردم، حقوق و آموزش زنان، جنبه های مختلف فرهنگ مثل سینما و تلویزیون، مطبوعات آزاد و غیره مخالف هستند.

### نتیجه گیری:

در کردار و در قانون اساسی طالبان، حقوق بشر، حقوق مدنی و سیاسی، تفکیک قوا، آزادی بیان و رسانه ها، انتخابات آزاد، آزادی احزاب سیاسی، نهادهای مدنی، رسانه ها و مطبوعات، حقوق اقلیت های مذهبی - قومی، اراده و مشارکت مردمی و حقوق زنان نه تنها جایگاهی ندارد، بلکه از بین بردن این ها را تکلیف شرعی خود می پندارند.

نمونه های زیادی از کشتار جمعی به وسیله حمله های نظامی و حملات انتحاری، ترور، اختطاف شهروندان داخلی و خارجی، اختطاف و قتل خبر نگاران، سنگسار زنان، مسدود کردن رسانه ها، نهادهای حقوق بشری در مناطق تحت کنترل خود، اسیدپاشی و بستن مکانب و مدارس بروی دختران در کشور نمونه های دیگری از کارنامه سیاه طالبان در ده سال اخیر و دوره حاکمیت آن ها است.

شریعت طالبانی تا آنجا مداخله و نظارت در امور افراد را اجازه می دهد که حتا از «بلندی موی سر»، «تا کوتاهی ریش»، حمام عمومی، تردد زن از محیط بیرون از منزل، تا ششلاق برای نماز خواندن را عموماً تحت ضوابط و مقررات حکومتی کنترل کند.

صدور فرمان شرعی ملا محمد عمر در ۱ مارچ ۲۰۰۱ در باره ی تخریب بت های بودا در بامیان، تخریب موزیم ملی، سنگسارها، دست و سر بردن های زمان حاکمیت طالبان و پس از حاکمیت شان در کشور نمونه ای دیگر از استفاده آنها از حربه شریعت علیه زندگی اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی در کشور است.

این گروه، با توسل به حربه «تکفیر به مبارزه با تمامی مذاهب و فرق اسلامی رفته و به جز خویش سایر گروه ها را یک سره باطل و حتا کافر می دانند. نمونه آن قتل عام هزاره ها و ازبیک ها در شمال افغانستان است که هزاره ها به اتهام شیعه بودن و ازبیک ها به اتهام همکاری با کمونیست ها تکفیر و قتل عام گردیدند.

به گزارش سازمان عفو بین الملل در سال ۱۹۹۹، پس از اشغال مزار شریف، از بلندگوهای مساجد شهر مرتباً اعلام می شد: شیعیانی که از کشتارهای مزار شریف جان سالم به در برده اند باید به مذهب اهل سنت بگردند و به خاطر نجات جانانشان باید روزی پنج مرتبه نماز بگذارند والا با آن ها مانند سنگ ها رفتار خواهد شد و یا گلوله باران خواهند شد. مولوی نیازی حاکم مزار شریف از سوسی طالبان، اعلام کرد: «هزاره ها اگر بخوانند با ما زندگی کنند باید یکی از سه راه را انتخاب کنند: یا سنی شوند، یا به جمهوری اسلامی ایران بروند و یا کشته می شوند.»

متعاقب کنفرانس لندن، دولت جرگه مشورتی صلح را در تاریخ ۱۲ تا ۱۴ جوزا ۱۳۸۹ برگزار کرد. با وجود انتقادهای بسیاری که به برگزاری این جرگه ها می شود و منتقدین برگزاری آنها را به دلیل وجود نهادهای دموکراتیک تر و مردمی مانند مجلس ملی معیار با اصول دموکراسی می دانند، در این جرگه بیش از ۱۶۰۰ نفر از بزرگان قومی، شوراهای ولایتی، نمایندگان مجلس ملی و سنا شرکت کرده بودند. در قطعنامه پایانی این جرگه شرکت کنندگان از دولت افغانستان و نیروهای بین المللی تقاضا کردند که به عنوان یکی از زمینه های ایجاد چارچوبهای مذاکره با طالبان اسامی مخالفان و رهبران طالبان را از لیست سیاه سازمان ملل حذف کرده و امنیت و مصونیت کسانی را که به پروسه صلح می پیوندند تامین و تضمین کنند و برای عملی ساختن مشورت های جرگه صلح و پیشبرد پروسه صلح نیز کمیسیون با صلاحیت یا شورای عالی صلح ایجاد گردد. شرکت کنندگان در این کنفرانس به منظور کسب حمایت بین المللی از قطعنامه جرگه مشورتی صلح، دولت افغانستان را موظف کردند تا این قطعنامه را شامل دستور کار کنفرانس کابل کند.<sup>۹</sup>

برنامه خلع سلاح و جذب نیروهای طالبان، یکی از مهمترین چالشهای کنفرانس کابل بود. این برنامه که در کنفرانس لندن اعلام شده بود، در کابل زوایای روشتری یافت.<sup>۱۰</sup> در قطعنامه پایانی این کنفرانس شرکت کنندگان با استقبال از نتایج جرگه مشورتی صلح، از ایجاد شورای عالی صلح قدردانی کرده و از برنامه صلح و ادغام مجدد حکومت افغانستان استقبال نموده و تأیید می نمایند که این برنامه بر همه اعضای افغانی مخالف مسلح و جوامع آنان که خشونت را ترویج نموده، با سازمان های تروریستی جهانی ارتباط نداشته، قانون اساسی را محترم شمرده و در ساختن یک افغانستان صلح آمیز شرکت می نمایند، باز است. جامعه بین المللی نیز به تعهد خود مبنی بر حمایت از این برنامه از طریق صندوق امانتی صلح و ادغام مجدد تأکید نمود. همینطور حکومت افغانستان با شورای امنیت سازمان ملل متحد و جامعه بین المللی در قسمت حذف نام ها از لیست قطعنامه ۱۲۶۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد در یک پروسه شفاف و استوار بر شواهد بر اساس مسوولیت های افغانی و بین المللی مصروف کار خواهد بود.<sup>۱۱</sup>

از یک سال بدین سو برنامه ادغام و باز پذیری مخالفان در جریان است. نظر به گزارش مسوول برنامه ادغام جنرال بریتانوی نانوفیل یونز تاکنون ۱۷۰۰ جنگجو سلاح بر زمین گذاشته اند که این رقم در مقایسه با میزان بودجه ای که در این زمینه صرف شده است، خیلی پایین است. مسوولین روند مصالحه و بازپذیری با ۴۵ گروه شورشی و مخالف در کشور مصروف مذاکره اند. بدین ترتیب ۲۰۰۰ تن دیگر قرار است به این روند پیوندند. جامعه جهانی تاکنون برای این روند ۱۴۱ میلیون دالر هزینه پراخته است.<sup>۱۲</sup> بعد از ایجاد شورای عالی صلح (جوزای ۱۳۸۹ برابر با جون ۲۰۱۰) جرگه های صلح منطوقی میان دولت افغانستان و پاکستان دایر گردید اما تصمیمات این جرگه ها در عمل تطبیق نگردیده و بدون نتیجه باقی ماندند. در نهایت نیز رییس شورای عالی صلح، استاد برهان الدین ربانی در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۹۰ توسط طالبان کشته شد.

#### جامعه جهانی و عدالت انتقالی

بسیاری از ممالکی که در افغانستان حضور دارند از امضا کنندگان پیمان های بین المللی در زمینه حقوق بشر و عضو دادگاه بین المللی کیفری هستند و هرچند در عمل نه ولی از لحاظ تئوری خواست جامعه جهانی را در رابطه با جلوگیری از معافیت برای نسل کشی، جرائم جنگی و جنایت علیه بشریت تأیید می نمایند. جامعه جهانی مسوولیت دارد به دولت افغانستان فشار وارد نماید تا وعده هایی را که در راستای تطبیق برنامه عمل به قربانیان داده، فراموش نکند. با این همه برخی از همکاران بین المللی افغانستان در زمینه حسابدگی برای جنایات جنگی خاموش هستند.

هر چند یادآوری این نکته مهم است که جامعه جهانی متشکل از دول مختلف و نهادهای غیردولتی است که دارای سیاست های جداگانه هستند. برخی از دولت ها و نهادهای غیر دولتی مساله عدالت انتقالی را در

دستور کار سیاسی خود دارند و در این زمینه فعالیت می کنند که از آن جمله می توان به کشورهای ناروی، مکزیکو و مراکش اشاره نمود که از دولت افغانستان خواستند تا برنامه عمل را تطبیق نماید و کشور هلند و جمهوری چک نیز بر اهمیت مساله عدالت انتقالی در گزارش دوره ای حقوق بشر تأکید ورزیدند. به هرحال امروز هم اگر چنین تلقی شود که عدالت انتقالی مانعی بر سر راه مصالحه با طالبان است، غیر ممکن است که جامعه جهانی علیرغم پیامدها برای صلح واقعی و پایدار بر حسابدگی بر جرائم جنگی تأکید نماید.<sup>۱۳</sup>

#### جامعه مدنی و عدالت انتقالی

جامعه مدنی افغانستان به دلیل ظرفیت کم خود قادر نیست تا تصمیم گیران را تحت تأثیر قرار دهد و فقط برخی از موسسات کوشیده اند تا در زمینه بسیج قربانیان، جمع آوری مدارک و ارتقای آگاهی اقداماتی را انجام دهند.

از طرفی بسیاری از این نهادها در کابل متمرکز هستند و گسترش آنها به مناطق محدود است که عدم امنیت و بودجه از عمده دلایل آن هستند. به علاوه رسانه های افغانستان در زمینه عدالت انتقالی فعالیت چندانی ندارند. در سال ۱۳۸۷ بیش از ۲۰ نهاد مدنی داخلی و بین المللی که در زمینه عدالت انتقالی فعالیت می کنند گروه هماهنگی عدالت انتقالی را تشکیل دادند. این گروه با استفاده از رسانه ها و در رویدادهای مهم دیدگاهها و نظرات خود را ارائه نموده اند که از مهم ترین اعلامیه های این گروه می توان به اعلامیه این گروه به کنفرانس لندن، جرگه مشورتی صلح، کنفرانس کابل، لغو قانون عفو اشاره نمود که در همه این اعلامیه ها تحقق عدالت انتقالی، لغو قانون عفو و پاسخ دهی نسبت به جنایات گذشته به عنوان

یک استراتژی ملی عدالت انتقالی را به منظور تأمین عدالت و رسیدگی به جرایم گذشته پیشنهاد نماید. سپس برنامه عمل حکومت افغانستان با همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و هیأت کمک ملل متحد در افغانستان «یوناما» تحت عنوان «صلح، مصالحه و عدالت در افغانستان» در سال ۲۰۰۵ تهیه شد و به تصویب رسید. در متن این برنامه آمده است که واژه های صلح، مصالحه و عدالت در این متن بیشتر در رابطه با مفهوم نسبتاً نوین «عدالت انتقالی» مطرح می شوند و در ادامه می افزاید: سوء تفاهم در رابطه با عدالت انتقالی این بوده است که بسیاری این مفهوم را به رسیدگی به مسوولیت جنایی تقلیل می دهند. در این برنامه ۳ ساله، ۴ بخش کلیدی برای دستیابی به صلح، آشتی، عدالت و حاکمیت قانون در افغانستان و تحقق فرهنگ پاسخگویی و احترام به حقوق بشر پیشنهاد شده است: (۱) اذعان به رنج های مردم (۲) ایجاد نهادهای دولتی معتبر و پاسخگو و پاکسازی نهادهای دولتی از وجود ناقصین و جنایتکاران حقوق بشری (۳) حقیقت جویی و مستند سازی (۴)

#### ترویج مصالحه و تقویت وحدت ملی.

اگرچه انتقادات زیادی به این برنامه حداقلی وارد شده است اما دولت افغانستان به اجرای این حداقل هم متعهد نبوده و به جز موارد معدودی به این برنامه بی اعتنایی کرده است تا جایی که موعد این برنامه بدون آنکه کمترین پیشرفتی در اجرای آن به دست آمده باشد، در تاریخ مارچ ۲۰۰۸ به اتمام رسیده و علیرغم درخواست های مکرر کمیسیون مستقل حقوق بشر و جامعه مدنی تمدید نشد. تا کنون یگانگی فعالیت هایی که در چهارچوب این برنامه اجرا شده اند نامگذاری روز ملی قربانیان و تأسیس بورد ویژه مشاورین ریاست جمهوری برای بررسی منصوبین ارشد است که عملاً با اشغال بسیاری از پست ها و مناصب عالی توسط متهمین به جنایات جنگی و نقض فاحش حقوق بشر این بورد زیر سؤال رفته است. نماینده موسسه دیده بان افغانستان در سال ۱۳۸۷ گفت که: ما آن رییس جمهوری را که دو سال پیش داشتیم، نداریم. کرزی در روز حقوق بشر در سال ۱۳۸۵ گریه می کرد. بعداً در سال ۱۳۸۶ اعلان کرد که عدالت انتقالی به مصالحه ضرر می رساند و امسال می گوید که این یک پروسه خارجی است.

بعد از آغاز برنامه عمل و انتشار لیست اسامی ناقصان حقوق بشر توسط دیده بان حقوق بشر تحت عنوان «دستان آلوده با خون» در سال ۱۳۸۵، مجلس نمایندگان و به تعقیب آن مجلس سنا قانون مصالحه و ثبات ملی را به تصویب رساندند. این قطعنامه «عفو همه جانبه را به تمامی احزاب مخالف و طرفین سیاسی که قبل از تشکیل اداره موقت با هم در نزاع بودند» ارائه نمود.

در قانون فوق (که به قانون عفو یاد می شود) مسوولیت درج شکایات و به محاکمه کشاندن مجرمان را به خود افراد می سپارد که با نفوذی که جنایتکاران دارند این کار ناممکن است. در نبود موجودیت شکایتنامه از طرف قربانیان، مقامات افغان از منته نمودن جنایتکاران جنگی به صلاحیت خودشان منع شده اند که این کار سبب می شود تا دولت از مسوولیت خویش برای بررسی و محاکمه نمودن جنایتکاران جنگی شانه خالی کند. به علاوه این کار مانع کمک به روند حسابدگی و ترویج فرهنگ معافیت از مجازات می شود. از نظر حقوقی نیز این قانون با مقررات حقوقی افغانستان در زمینه پیگیری حسابدگی برای متعدیان به حقوق بشر مغایرت دارد. زمانی که افغانستان اساسنامه روم را در دلو ۱۳۸۱ تصویب نمود، مسوولیت اعمال پیگرد کیفری کسانی را که مسئول جرائم بین المللی بودند به عهده گرفت. همچنان این قانون با تعهد رییس جمهوری کرزی برای پیگیری عدالت و جنگ علیه معافیت از مجازات که در برنامه عمل خلاصه شده بود، در تضاد است.

این قانون با مخالفت نهاد های جامعه مدنی و نهادهای حقوق بشری بین المللی و بسیاری از نهادهای مدنی داخلی رو به رو گردید. بسیاری بر این باورند که تصویب قانون عفو نشان دهنده نفوذ ناقصان حقوق بشر در دولت است و از سوی دیگر فعالان حقوق بشر آن را در راستای ایجاد چهارچوب های قانونی مصالحه با طالبان و سایر گروههای مسلح مخالف دولت می دانند. همانطور که در گزارش دوره ای جهانی حقوق بشر نیز آمده «تصویب قانون عفو تطبیق عدالت انتقالی در افغانستان را پیچیده تر کرده است.»

#### تلاشهای دولت برای مصالحه و ادغام مجدد

کمیسیون ملی تحکیم صلح اولین بار در سال ۲۰۰۵ به ریاست آقای صیغت الله مجددی به منظور تأمین صلح و امنیت در کشور ایجاد گردید. (این کمیسیون اکنون بنام کمیسیون مستقل حل منازعات و ارتباط مردم با دولت مسمی گردیده است). با فاصله گرفتن از سالهای آغازین دولت، تلاشها برای مصالحه با طالبان نیز رو به افزایش نهاد. رییس جمهوری افغانستان در کنفرانس لندن (دلو ۱۳۸۸) طرح پیشنهادی خود برای اجرای برنامه موثر، فرآیند، شفاف و پایدار ملی صلح و استقرار مجدد را آشکار نمود که از آن طریق به شورشیان طالبان وظیفه (کار)، تحصیل، حقوق بازنشستگی و زمین فراهم خواهد نمود.<sup>۱۴</sup> در همین کنفرانس جامعه جهانی در زمینه ایجاد یک صندوق وجهی برای حمایت از برنامه صلح و ادغام مجدد تحت رهبری دولت افغانستان تعهد داد.<sup>۱۵</sup>

**در زمینه رسیدگی به تخلفات حقوق بشری و جرائم و جنایات جنگی افغانستان تا کنون و تنها با استفاده از اهرم «صلاحیت قضایی جهانی» به موارد معدودی رسیدگی شده است. محکومیت حسام الدین حسام، رییس سابق پولیس خاد، در سال ۲۰۰۵ و حبیب الله جلال زوی، مسوول امور تحقیقات در سال ۲۰۰۷ به جرم ارتکاب جرائم جنگی و شکنجه مخالفین دولت در افغانستان در دادگاه کشور هلند و محکومیت فریادی سرور زرداد، از قوماندانان- های سابق ارتش حزب اسلامی افغانستان به رهبری گلبدین حکمتیار، در سال ۲۰۰۷ به خاطر شکنجه (افغانستان) در دادگاه انگلستان؛ از این دست است.**

**به همان اندازه که تصمیم گیران و سیاستمداران می خواهند گذشته را بعد از دهه ها جنگ نادیده بگیرند، ناتوانی رسیدگی به معافیت در افغانستان موجب تداوم جنگ و نیز نا امنی های جاری می گردد.**



## وجدان های آگاه اجازه ندهند که به نام منافع و مصالح ملی سرنوشت زنان بار دیگر بازیچه قرار گیرد!



۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱



در روزهای واپسین قبل از برگزاری لویه جرگه «عنعنوی» و کنفرانس بن ۲ مردم افغانستان روزهای بسیار حساس و سرنوشت سازی را تجربه می نمایند. در این روزها مسایل بسیار مهمی وجود دارد که نمی توان آن ها را از کانون توجه به دور نگاه داشت. مسایلی که در آن سرنوشت تک تک زنان و مردان افغانستان دخیل است. مسأله ای که در محراق توجه قرار دارد همانا صلح با طالبان یا به عبارت بهتر صلح حکومت افغانستان با مخالفان مسلح است. آن چه که در این روند مشاهده می گردد، امتیازدهی بی قید و شرط به طالبان است. این بدان معنا است که حق اکثریت مردم به تعداد اندکی از ناقضین حقوق بشر بخشیده می شود. صلح عادلانه و پایدار آن خواهد بود که برای مردم عدالت را در پی داشته باشد وگرنه می توان از آن به آتش بسی موقت و گذرا تعبیر کرد. همان طور که تجربه جهانی در کشورهایی مثل افریقای جنوبی مؤید این مطلب نیز هست. صلح پایدار از درون مردم سرچشمه بگیرد و بتواند پایدار و عمیق در لایه های جامعه ریشه بدواند. به این ترتیب مردم افغانستان اگر مایل به بخشیدن و عفو نمودن تفنگ سالاران و جنگ جویان باشند، حق مسلم و طبیعی آنان است که ببخشند ولی هیچ گونه فشار و اجباری از سوی حکومت و از سوی نیروهای بین المللی قادر نیست تا به مردم افغانستان بخشیدن و عفو نمودن را تحمیل نماید. افغانستان جامعه ای است با ظرفیت ها و توانمندی های صلح اما این صلح نباید در راستای بخشیدن قاتلین ملت افغانستان و مخالفین صلح به اجرا گذاشته شود. بحث کلیدی ای که می بایست عمیقاً توجه جهانی و اهل حکومت افغانستان را به خود جلب می کرد مسأله عدالت در گذار یا عدالت انتقالی است که در کنفرانس بن ۱ روی آن تاکید صورت گرفت. اما، این روند لازم و حیاتی آگاهانه به فراموشی سپرده شده است. زنان افغانستان به خوبی واقف هستند که بدون عدالت و اعاده حیثیت برای قربانیان چهار دهه جنگ، در حقیقت این آشتی - تقسیم قدرت با مخالفان مسلح است نه صلح عادلانه و نه زمینه ای مساعد برای آشتی در کل این کشور. حکومت افغانستان وظیفه دارد، مسئولیت تمام صدماتی را که بر پیکر این جامعه وارد شده را به دوش بگیرد. ناقضین حقوق بشر نمی توانند ولیان این کشور گردند. تمام اشکال نقض فاحش حقوق بشر از نسل کشی گرفته تا بی عدالتی، تبعیض نسبت به زنان و اقوام، فقدان آزادی بیان و غیره در افغانستان تجربه شده است و جامعه ی بین المللی به نام جهان شمول بودن اعلامیه جهانی حقوق بشر وظیفه دارد که از این روند خطرناک جلوگیری نماید.

اگر کنفرانس بن ۲ برای ایجاد صلح یک سویره تاکید نماید، این صلح چیزی را به نمایش نخواهد گذاشت مگر خستگی و ناکامی بین المللی از جنگ در افغانستان را که نتیجه آن تجربه ای ناکام و آتشی پنهان در زیر خاکستر خواهد بود که شعله ور شدن این آتش در سال های بعد دامن جهان و افغانستان را یک بار دیگر خواهد گرفت.

### ما زنان افغانستان هنوز دوران سیاه طالبان را فراموش نکرده ایم

در آن دوران زن افغانستان از جغرافیای افغانستان محو گردیده بود. ما زنان ماهیت محوری زن ستیزانه تفکر طالبان را می دانیم. آگاه هستیم که بدون این محور طالبان دیگر هویت طالبانی ندارند و نمی توانند بر سر این اصل خود به مذاکره و یا موافقت با کسی برسند. بدیهی است که در هر نوع ائتلاف با طالبان زنان افغانستان اولین کسانی خواهند بود که قربانی معامله و مصالحه خواهند گردید. فراموش نکرده ایم که ابراز انزجار زنان و مردان آگاه، یعنی افکار عمومی کشورهای جهان به خصوص کشورهای دموکراتیک بر سرنوشت رقم زده به وسیله طالبان مسأله ای بود که زمینه را برای ورود دولت های دموکراتیک به خاک افغانستان مساعد ساخت. زنان افغانستان و بهبود وضعیت آن ها یکی از عمده ترین مسایلی بود که جهان و افکار عمومی جهانی را بسیج ساخت. ما زنان افغانستان هنوز دوران سیاه طالبان را فراموش نکرده ایم.

### شاید این آخرین بار باشد که شما صدای ما زنان افغانستان را به صورت جمعی می شنوید

ما زنان افغانستان به وجود آمدن حرکت های ترقی خواهانه و ایجاد فضای امن برای شرکت کردن زنان در اجتماع و به دست آوردن دستاوردهای نسبی با وجود تمام ضعف های موجود و سمبولیک بودن آن را در طول یک دهه گذشته ارجح می نهمیم که از آن جمله می توان به ایجاد وزارت امور زنان، نمودار بلند شرکت زنان در فعالیت های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نام برد. اما در کمال تعجب از خود می پرسیم که جامعه ی جهانی و کشورهای دموکرات به خصوص کشور آلمان به عنوان تسهیل گر این آشتی چه گونه نسخه ای را برای صلح دوام دار و پایدار در این مملکت تجویز خواهند نمود که در آن زن های افغانستان بار دیگر طعم تلخ تجربیات دهه های گذشته را نچشند.

چه گونه جامعه ی جهانی و وجدان های بیدار و آگاه می پذیرند که بار دیگر ۵۰ درصد از جامعه یعنی زنان باز هم شرایط مشابه زمان تحجر طالبان را داشته باشند. اگر این صلح مسلحانه صورت بگیرد شاید این آخرین بار باشد که شما صدای ما زنان افغانستان را به صورت جمعی می شنوید. ما زن های افغانستان چند نسل است که در خانه ها زندانی شده ایم. دختران و پسران آگاه ما خواسته هایی شبیه فرزندان شما دارند. آن ها نیز می خواهند که به مکتب و دانشگاه بروند. می خواهند دست رسی به رسانه های باکیفیت داشته باشند. جوان های ما می خواهند که همسر آینده ی خود را بعد از سن قانونی خود انتخاب نمایند و آرزو دارند به تفریح و ورزش سالم دست رسی داشته باشند و کشور خود را بدون زخمی بر بدن و هراس از ماهیت وجود خود در قالب نژاد، زبان و سمت و اندیشه خود بسازند.

ما زنان آگاه همراهِ با مردان خوش فکر و مترقی کشورمان چشم امید به سوی شما داریم و به افکار عمومی جهان باور داریم و امیدواریم وجدان های آگاه شما هرگز اجازه نخواهد داد که به نام منافع و مصالح ملی سرنوشت زنان بار دیگر بازیچه قرار گیرد.

کمپاین ۵۰٪ زنان افغانستان و کمیته مشارکت سیاسی زنان

تماس: womenspoliticalparticipation.c@gmail.com

Campaign50darsad@gmail.com

وبلاگ: Campaign50darsad.blogfa.com

## چرا فرایند عدالت انتقالی با بن بست روبرو است؟

در سال ۲۰۰۱، سی سال جنگ تمام زیر بنا های کشور را از بین برده بود و نیاز می رفت تا در راستای تحقق دموکراسی، جلوگیری از نقض فاحش حقوق بشر به خصوص حقوق زنان، حکومت داری خوب، حاکمیت قانون و تطبیق برنامه عدالت انتقالی کار هایی صورت گیرد. نماینده های خود گردان و نام نهاد افغانستان با حضور سازمان ملل متحد و بعضی از کشور ها از جوامع بین الملل کنفرانس بن را در سال ۲۰۰۱ راه اندازی کردند. دکتر عبدالله عبدالله، دکتر رنگین دادر اسپینا، و خانم سیما سمر رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر و عده ی دیگر مکلف شده بودند تا مکانیزمی را برای برنامه صلح، مصالحه و عدالت (۶-۷ جون ۲۰۰۵) به همکاری حکومت افغانستان تدوین کنند.

عدالت انتقالی یک پدیده ی کاملاً جدید برای مردم افغانستان بود. این برنامه در شرایطی مطرح گردید که جنگ در افغانستان جریان داشت و رهبران قومی از پیشبینی مردم برخوردار بودند. جایگاه رهبران سیاسی (جنگسالاران) هنوز هم در جامعه تثبیت بود و از پایگاه های مردمی به خصوص در ولایات برخوردار بودند.

توجه بیشتر برنامه عدالت انتقالی به حقیقت یابی بود تا:

- حقایق جنگ و خشونت های جاری در کشور موشکافی شود
- به درد و رنج قربانیان جنگ که بیشترین آسیب را متحمل شده بودند رسیدگی شود
- زمینه های مهیا گردد تا ادارات دولتی بازسازی شده و اصلاحات گسترده ای در آن ها رونما گردد.
- راه اندازی گفتگوی ملی بین مردم افغانستان صورت گیرد تا زمینه بیان درد های مردم مساعد گردد و در آینده در فضای صلح و آرامش زندگی کنند.
- صلحی در جامعه تحقق یابد که هیچ خطری را در آینده متوجه افغانستان و مردم آن نسازد.
- و در نهایت مظنونین به جنایت جنگی از طرف مراجع معتبر عدلی و قضایی ملی شناسایی و به محاکمه کشانده شوند که این امر خود به نحوی به شستوشی اجتماعی کمک می کرد، مردم وطن دوست و عدالت خواه را از مردمان خشونت طلب و ناقض حقوق بشر تفکیک می کرد و در واقع فضای جذب افراد متخصص و شایسته به ادارات دولتی را مساعد می ساخت.
- این ضمانتی بود برای آینده ی افغانستان که از خطرات بعدی به خصوص جنگ های داخلی جلوگیری می نمود.

از همان اول معلوم بود که عدالت انتقالی در افغانستان تطبیق نمی شود و چالش های روزمره دامنگیر آن خواهد شد. دلیل آن را می توان نقش و سهم فعال جنگ سالاران در کنفرانس های ملی و بین المللی به خصوص در کنفرانس بن اول، لویه جرگه اضطراری، لویه جرگه قانون اساسی، دو انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، و جرگه مشورتی صلح دانست.

در زمان انتخابات ریاست جمهوری، کمیسیون مستقل سمع شکایات و کمیسیون مستقل انتخابات نتوانستند از ورود جنگ سالاران در پروسه انتخابات جلوگیری کنند و در نتیجه این پروسه از طرف جوامع بین المللی و مراجع ملی مورد تأیید قرار گرفت و یک بار دیگر ناقضین حقوق بشر با استفاده از نام دموکراسی و ارزش های مدنی به قدرت دست یافتند.

این وضع بزرگترین آسیب را به تطبیق برنامه عدالت انتقالی، به دلیل داشتن نهادهای ضعیف امنیتی، عدلی و قضایی زد. افرادی که به نقض حقوق بشر متهم بودند به پست های بالای دولتی مقرر گردیدند. در نتیجه این افراد که در اوایل روند احیای دموکراسی در افغانستان در حاشیه قرار گرفته بودند و فکر می کردند همه فضا ها برای آن ها بسته شده است، یک باره نقش سیاسی و اجتماعی آن ها یافتند.

این گروه از فضای نیم بند دموکراسی استفاده سؤ کرده، دست به تشکیل احزاب سیاسی زدند و در گردهمایی ها و سالگرد مرگ بعضی از جنگ سالاران به سخنرانی پرداختند. تمرکز بیشتر این رهبران به حفظ منافع شخصی شان بود و مخاطبین را طوری ذهنیت می دادند که حرکت های آغاز شده که به ضرر مردم افغانستان و کشور است. ارتباطات بین المللی آن ها روز به روز گسترده می شد، و به گونه ای به جهان قدرت نمایی می کردند که گویی در صورت نبود آن ها پروسه دموکراتیزه کردن افغانستان به چالش های کلان مواجه خواهد شد. از طرف دیگر طالبان هم روز به روز قدرتمند می شدند، و باید اینها حضور می داشتند تا در مقابل طالبان بایستند و به مبارزه علیه شورشیان ادامه دهند.

پروسه خلع سلاح نیز در کشور به ناکامی انجامید؛ دلیل آن کاملاً روشن بود. ناقضین حقوق بشر به این فکر بودند که در صورتی که سلاح هایشان را تسلیم کنند، در واقع قدرت را از دست میدهند و اگر روزی جنگ های داخلی آغاز شود، با دست خالی کاری را انجام داده نمی توانند.

در عین حال، این عده از همه امکانات استفاده کردند و پروسه عدالت انتقالی را که برای تحکیم صلح پایدار در کشور مفید بود پروسه کاملاً سیاسی معرفی کردند. در بسیاری از موارد از فضای دموکراسی علیه دموکراسی استفاده کردند.

قانون عفو عمومی (۳ جنوری ۲۰۰۷) در پارلمان کشور تصویب شد و بعداً به توشیح رییس جمهور افغانستان رسید. این عمل ضربه بزرگی به پروسه عدالت انتقالی در کشور زد. زیرا در فضایی که قانون عفو و مصالحه وجود داشته باشد و همه یک دیگر را مورد عفو قرار داده باشند، ضرورتی به تطبیق عدالت انتقالی وجود ندارد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر که باید به عنوان یک نهاد بی طرف از قربانیان جنگ دفاع می کرد و تمام سرمایه گذاری های خود را برای تحقق عدالت در کشور متمرکز می کرد، در بسیاری حالات زیر فشار حکومت قرار گرفت و در بسیاری از موارد حمایت قوه های سه گانه را نتوانست جلب کند. جامعه مدنی افغانستان همواره در قبال این موارد اعلامیه هایی را صادر می کرد و نگرانی را نسبت به وضعیت جاری ابراز می داشت. ولی به دلیل اینکه دولت افغانستان از توانایی کافی برخوردار نبود؛ به این خواسته ها و مطالبات مردمی رسیدگی صورت نمی گرفت.

نتیجه این شد که ارزش های دموکراتیک در کشور اعتبار شان را از دست بدهند و گروه هایی از مردم به جای آنکه از پروسه تأمین عدالت در کشور حمایت کنند، دوباره به گروه های قومی و سیاسی تبدیل شدند و قهرمان سازی را آغاز کردند.





عفو بین الملل:

## دستور رهبر طالبان برای کاهش تلفات غیر نظامی «ریاکارانه» است

۸ نومبر ۲۰۱۱

سازمان عفو بین الملل با صدور بیانه ای اعلام کرد: ادعای رهبری طالبان در مورد کاهش تلفات غیر نظامی با اقدامات این گروه تناسب ندارد.

بیانه عفو بین الملل موارد زیر را گزارش کرده است:

- در حالی که اکثریت عظیم تلفات غیر نظامی در اثر حملات طالبان و دیگر گروه های شورشی رخ می دهد، رهبر طالبان، ملا عمر، در پیامی به مناسبت عید قربان مدعی شد که بیشتر این تلفات ناشی از گرفتار شدن مردم در وسط درگیری های بین طالبان و نیروهای بین المللی است، او اصلاً اشاره ای به حمله های کور طالبان به غیر نظامیان نکرد.

- گرچه تلفات غیر نظامی ناشی از عملیات ناتو کاهش یافته، بمباران های هوایی، به ویژه به وسیله هواپیماهای بدون سرنشین، باعث خشم مردم شده است.

- آمار تازه سازمان ملل نشان می دهد که مسئولیت ۸۰٪ تلفات غیر نظامی به عهده شورشیان است.

- عفو بین الملل اسنادی را گرد آورده که نشان می دهد طالبان و گروه های شورشی دیگر منظم در پشت غیر نظامیان پنهان می شوند و آگاهانه آنها را به خطر می اندازند. حملات آنها به مناطق غیر نظامی، شامل بیمارستان ها، مدارس و مسجدها افزایش یافته است. در ماه ثور سال روان، طالبان یک مدیر مدرسه دخترانه کشتند. شورشیان به نمایندگان زن مجلس نیز حمله کرده و آنها را کشته اند.

- استفاده شورشیان از تله های انفجاری افزایش یافته است. آنها به غیر نظامیان کارمند دولت و خانواده هایشان حمله می کنند. یکی از قربانیان آنها پسر ۱۱ ساله یک پولیس بود که او را به عنوان «جاسوس» اعدام کردند.

- گزارش هایی در دست است که استفاده طالبان و گروه های دیگر از کودکان به عنوان جنگجو یا بمب گذاران انتحاری رو به افزایش است.

سام ظریفی، مدیر بخش آسیا و اقیانوس آرام عفو بین الملل در این بیانه می گوید: «پیام ملا عمر ریاکارانه است، زیرا به قصد تبلیغات صادر شده و نه با هدف حفاظت از غیر نظامیان. او می گوید اکثر تلفات غیر نظامی اتفاقی است و اگر افغان ها از نیروهای خارجی دور بمانند می توان از آنها پرهیز کرد. اما او به فرماندهانش دستور نداده که به قتل های هدف مند یا بمب گذاری های انتحاری یا استفاده از تله های انفجاری در مناطق غیر نظامی پایان دهند.»

عفو بین الملل در پایان این بیانه از دادگاه بین المللی کیفری خواهان رسیدگی به درگیری ها در افغانستان شده است.

<http://www.amnesty.org/en/news/taleban-leader%E2%80%99s-orders-reduce-civilian-casualties-%E2%80%9Chypocritical%E2%80%9D-2011-11-08?mid=52363>



عفو بین الملل:

## حقوق زنان را در گفتگو با طالبان تضمین کنید

۴ نومبر ۲۰۱۱

عفو بین الملل با انتشار بیانه ای اعلام کرد:

- دولت افغانستان و متحدان بین المللی آن ۱۰ سال پیش در پی مداخله نظامی برای برکنار کردن طالبان تعهد کردند حقوق زنان را به پیش ببرند. میلیون ها زن و دختر در افغانستان از سال ۲۰۰۱ به بعد پیشرفت در زندگی شان را مشاهده کرده اند: دو میلیون و نیم دختر به مدرسه می روند، زنان کار می کنند و قانون اساسی زنان را با مردان برابر می داند.

- امروزه طالبان در مناطق زیر کنترل خود حقوق زنان از جمله حق آموزش، اشتغال، آزادی حرکت و مشارکت سیاسی را به شدت محدود کرده اند.

- خواست گروه های زنان افغانستان این است که در مذاکرات صلح با طالبان حقوق بشر نباید مورد مصالحه قرار بگیرد.

- با استفاده از فرصت کنفرانس بن در ۵ دسامبر باید از دولت بخواهیم حقوق زنان و مشارکت آنها در فرایند صلح را تضمین کند.

عفو بین الملل سپس از همگان خواسته که به ریاست جمهوری آقای کرزی نامه بنویسند و موارد زیر را یادآور شوند:

«محترم آقای کرزی،

تضمین اساسی برای حمایت از حقوق زنان در فرایند صلح حضور قابل توجه نمایندگان زنان بر سر میز مذاکره است. بنابراین از شما می خواهیم که موارد زیر را حتما رعایت کنید:

• حقوق بشر در طی فرایند مصالحه تضمین و مورد توجه قرار بگیرد و در پایان این فرایند به تعدی ها و بدرفتاری ها فوراً و به روش موثر رسیدگی شود.

• زنان افغانستان به میزان قابل توجهی نمایندگان خود را در این فرایند داشته باشند و، طبق قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت، در گفتگوهای مصالحه به نگرانی های آنها کاملاً توجه شود.

• هر توافقی باید مسایل اساسی حقوق بشر را در بر بگیرد، مثل حضور بیشتر دختران در مدارس، افزایش دسترسی زنان به بهداشت، و افزایش امکان حضور زنان مدافع حقوق بشر در تمام مناطق افغانستان.

• گفتگوهای مصالحه نباید به معافیت از مجازات برای نقض حقوق بشر و جنایت های جنگی بیانجامد.»

<http://www.amnesty.org/en/appeals-for-action/Guarantee-Afghan-women%27s-rights-in-peace-talks-with-the-Taleban>

# روزنگار خشونت در برابر روزنامه نگاران در افغانستان

۲۰۰۸

تلویزیون ملی هرات تعیین گردیده بود.

۱۵ می (۲۶ ثور ۱۳۸۷): نیلوفر حبیبی مجری رادیو تلویزیون ملی هرات در منزلش توسط افراد ناشناس مورد حمله چاقو قرار گرفت. تهدیدات توسط افراد ناشناس بعد از اینکه خانم نیلوفر از شفاخانه مرخص شد ادامه داشت تا اینکه وی مجبور به تعویض محل اقامت اش گردید.

۷ جون (۱۸ جوزا ۱۳۸۷): عبدالصمد روحانی خبرنگار رسمی سرویس پشتو بی.بی.سی و همچنان خبرنگار آزاد آژانس خبری پژواک از نواحی شهر لشکرگاه مرکز ولایت جنوبی هلمند، زمانی نا پدید شد که موتر حامل وی توسط افراد ناشناس مسلح متوقف گردید. جسد روحانی که آثار شکنجه و سه قیر مرمی بر آن دیده میشد یک روز بعد یافت شد.

۱۲ جون (۲۳ جوزا ۱۳۸۷): جمیله رشتین قادری، گزارشگر رادیو آزادی در ولایت غربی هرات توسط افراد ناشناس در تلفون تهدید به مرگ شد. قبل از این خانم رشتین قادری در ولایت نا آرام جنوب کندهار و هلمند به حیث گزارشگر رادیو آزادی ایفای وظیفه میکرد. وی در مورد آن سوی مرز و برخورد نا مناسب دولت ایران با افغانهای مقیم ایران نیز گزارش تهیه کرده بود.

۱۶ جون (۲۷ جوزا ۱۳۸۷): شاهپور عرب خبرنگار آژانس خبری پژواک توسط مقامات قوماندانی امنیه ولایت لوگر زمانی مورد تهدید قرار گرفت که گزارشی را مبنی بر ادعای تصرف ولسوالی بره کی برک توسط طالبان از طریق آژانس خبری پژواک به نشر رساند. بعد از این حادثه رییس اطلاعات و فرهنگ آن ولایت با پولیس یکجا برای او دوسمه انداخت که گویا عرب با طالبان همکاری است تا توسط ریاست امنیت ملی



۲۴ مارچ (۵ حمل ۱۳۸۷): والی هرات سید حسین انوری بعد از نشر برنامه های انتقادی - تحلیلی (فراوسوی خیر، نگاه ژرف و هنجار) رییس رادیو تلویزیون ملی هرات حسام الدین شمس را به دفتر خود فرا خوانده او را مورد تهدید و تحقیر قرار داد. او انور متین مشاور فرهنگی خویش را مؤظف ساخت تا پالسی نشراتی رادیو تلویزیون را مورد نظارت قرار دهد و برنامه ها را به میل والی تنظیم کند. بعد والی هرات آقای شمس را همراه با پانزده تن ژورنالیست دیگر از وظایف شان سبکدوش نمودند. پاسپورت ژورنالیست مذکور توسط انوری قید گردید تا وی نتواند خارج از افغانستان سفر نماید. آقای شمس چندین بار اخطار های تهدید به مرگ را از طریق تلفون گرفته بود و حتی از سوی افراد نا شناس مورد تعقیب و حمله مسلحانه قرار گرفته بود.

۷ می (۱۸ ثور ۱۳۸۷): فیضی زدران، مجری سرویس های خبری رادیو تلویزیون ملی افغانستان بعد از اینکه در تلویزیون شخصی طلوع در یک بحث تلویزیونی اشتراک نمود مجبور شد تا از وظیفه اش از رادیو تلویزیون ملی استعفا دهد. در این گفتگو زدران با صراحت از عملکرد های رادیو تلویزیون ملی افغانستان انتقاد نمود و نقش دولت را در رابطه به تعهداتش به آزادی رسانه ها را مورد بازپرس قرار داد.

۱۱ می (۲۲ ثور ۱۳۸۷): والی هرات سید حسین انوری فرهاد جويا خبرنگار رادیو تلویزیون محلی هرات را با مشت و لگد مورد لت و کوب قرار داد. اخیراً فرهاد جويا به حیث سرپرست مؤقت مدیر نشرات رادیو

بازداشت گردد.

۱۸۱۷ جون (۲۷ جوزا ۱۳۸۷): رحمت الله افغان مدير اخبار آژانس خبری روز، صبح هنگام از دفتر کارش توسط افراد ریاست امنیت ملی لوگر توقیف گردید که بعد از سه ساعت دوباره رها شد. علت توقیف ژورنالیست مذکور مشکل تراشی بعضی مقامات بخصوص رییس اطلاعات و فرهنگ ولایت لوگر و مقامات امنیتی آن ولایت عنوان شده بود.

## ۲۰۱۰:

جون (۲۹ جوزا ۱۳۸۷): گروهی از خبرنگاران تهدیدهای تلفونی را از سوی افراد نامعلوم دریافت نموده برایشان هشدار داده می شد تا از فعالیت های ژورنالیستیکی و مسلکی خویش دست بردارند. عزیز احمد شفیع عکاس بی.بی.سی، صفت الله زاهد خبرنگار رادیوی سلام و پندار و روزنامه پیمان در هلمند، داود وفا خبرنگار رادیو آزادی در ننگرهار، رشتین قادری خبرنگار رادیو آزادی در هرات و امیر بهیر خبرنگار رادیو آزادی در خوست از سوی افراد نامعلوم در صورت ادامه وظایف شان تهدید به مرگ گردیدند.

۲ جولای (۱۲ سرطان ۱۳۸۷): شاهپور صابر گزارشگر رادیو خصوصی فریاد به منظور تهیه گزارش از نشست احمد ضیا مسعود معاون اول رییس جمهور با تاجران و سرمایه داران، قصد رفتن به این نشست را داشت که با برخورد نامناسب پولیس مواجه شده مورد ت و کوب و توهین قرار گرفت. بعداً پولیس با پذیرفتن اشتباه شان از شاهپور معذرت خواهی نمود.

۱۲ جولای (۲۲ سرطان ۱۳۸۷): شاهپور عرب ژورنالیست آژانس خبری پژواک از جانب ولسوال محمد آغه مورد توهین و ت و کوب و توقیف قرار گرفت. زمانی که نیروهای ایتلاف بخاطر گرفتاری فردی به نام قاری یعقوب یکتا از امامان مسجد و برادرش قاری عادل در ولایت لوگر عملیات نظامی داشتند، عرب با چند نفر آنها مصاحبه کرد. عرب بعد از دو ساعت زمانیکه تعهد عدم نشر گزارش داد، رها گردید.

۲۲ جولای (۱ اسد ۱۳۸۷): صمیم سیرت کمره مین تلویزیون آریانا در نزدیکی دانشگاه کابل از سوی مظاهره کنندگان مورد حمله قرار گرفت و در ناحیه گردن و دست جراحت برداشت. در این حادثه کمره و دیگر وسایل رسانه مذکور نیز از سوی حمله کنندگان شکست.

۲۷ سپتمبر (۶ میزان ۱۳۸۷): شورای علما و ریاست حج و اوقاف ولایت غزنی از تمام رسانه های آزاد به خصوص رادیو ها در ولایت غزنی خواست تا صدای خانم ها را از طریق رادیو به نشر نرسانند. در این قطعنامه آمده است، محاوره و تماس از طریق موبایل و غیره آلات و اسباب همراه زن های نامحرم و نشر صدای آنها در رادیو از نگاه اسلام حرام قطعی است و در صورت خلاف ورزی با متخلفین برخورد شرعی و قانونی صورت میگیرد.

فرید احمد روستایی مسؤل مدیر رادیو دهکده در شهر نو غزنی، به انجمن آزاد ژورنالیستان افغانستان گفت که برای شان از طرف طالبان مکتوب رسیده است که در آن وی محکوم به اعدام گردیده است. بعد از محدودیت های جدید کارمندان زنان مجبور گردیدند تا حضور فزاینده پولیس را در رسانه های آزاد غزنی کاهش دهند و برنامه های رادیو متذکره را در منازل شان ثبت نمایند.

## ۲۰۰۹:

۲۵ جنوری (۶ دلو ۱۳۸۷): کشور پاکستان در شهر پشاور و مناطق همجوار بر رسانه های تصویری افغانستان محدودیت های جدید را وضع نمود و از مسؤلین شبکه های کبیلی خواستند تا نشرات چهار تلویزیون افغانی (طلوع، آریانا، شمشاد، و رادیو تلویزیون ملی) را در پاکستان قطع نمایند.

۱۰ مارچ (۲۰ حوت ۱۳۸۷): جاوید احمد یاضمی مشهور به جو جو گزارشگر محلی تلویزیون کانادایی بعد از اینکه از زندان رها گردید در مدت ۶ ماه توسط افراد ناشناس در شهر کندهار به قتل رسید. یاضمی به اتهام ارتباط با طالبان توسط نیروهای امریکایی توقیف و بعد از سپری نمودن یازده ماه در زندان نظامی بگرام آزاد گردیده بود.

۱۱ مارچ (۲۱ حوت ۱۳۸۷): منیر عامل ژورنالیست که در سرویس خبری تلویزیون امروز کار می کرد، در حال عبور از یک پوسته ی امنیتی شهر کابل به علت فیر مرمی پولیس بالای موترش به قتل رسید.

۲۴ آگست (۲ سنبله ۱۳۸۸): جان الله هاشمزاد، خبرنگار روزنامه وحدت، تلویزیون شمشاد و آژانس خبری پژواک و نماینده انجمن آزاد ژورنالیستان افغانستان در شهر پشاور، که توسط موتر دیگر تعقیب گردیده بود در مسیر راه تورخم پشاور در منطقه سور کمر توسط افراد مسلح ناشناس به قتل رسید. وی چندین بار توسط افراد ناشناس تهدید به مرگ گردیده بود.

۳۰۹ سپتمبر (۱۸ سنبله ۱۳۸۸): سلطان منادی گزارشگر محلی که با نیویارک تایمز کار میکرد همراه با همکارش ستیفین فریل در هنگام تکمیل گزارش افراد ملکی که توسط بمباردمان نیروهای خارجی به قتل رسیده بود در ولایت شمال شرقی کندز توسط افراد ناشناس ربوده شدند. در عملیات نجات توسط کماندوی بریتانوی در آن ژورنالیست تبعه انگلستان نجات یافت اما سلطان منادی به قتل رسید.

سپتمبر (۸ میزان ۱۳۸۸): محمود فایز خیر نگار و کمره مین تلویزیون تمدن در شهر کابل توسط پولیس مورد حمله قرار گرفت. فایز که می خواست برای تلویزیون مذکور فلمبرداری نماید با وجود اینکه کارت رسانه ای را با خود داشت و از پولیس اجازه تصویر برداری را اخذ نموده بود توسط سربازان پولیس ناحیه اول شهر کابل ت و کوب گردید و کمره او نیز از ایشان گرفته شد.

۳۰ دسامبر (۹ جدی ۱۳۸۸): میشل لانگ گزارشگر کلگری هیرلد کانادایی در اولین ماموریت خبری خود در

افغانستان توسط مین کنار جاده در ولسوالی دند ولایت کندهار بقتل رسید. در این حادثه همراه با خانم لانگ چهار سرباز کانادایی نیز بقتل رسیدند.

## ۲۰۱۰:

۹ جنوری (۱۹ جدی ۱۳۸۸): روپرت هم خبرنگار امور نظامی سندی میرو در بریتانیا زمانی که با نیروی بحری ایالات متحده امریکا در ولسوالی ناوه ولایت هلمند در حالت گزمه بود با مواد منفجره ای سردستی کشته شد.

۷ فبروری (۱۸ دلو ۱۳۸۹): جیلز دیولی عکاس آزاد بریتانوی با آژانس کمره پریس در لندن زمانی که با نظامیان امریکایی در ولایت جنوبی کندهار برای پوشش گزمه ی مشترک نیروهای امریکایی و افغان سفر می نمود با ماین کنار جاده تصادم نمود و هر دو پا و یک دست خود را از دست داد.

۲۷ جون (۶ سرطان ۱۳۸۹): تاج گل گزارشگر تلویزیون الجزیره به همراه اردوی ملی در شاهراه کابل کندهار مورد حمله قرار گرفت و زخمی گردید.

۵ سپتمبر (۱۴ سنبله ۱۳۸۹): جسد ژورنالیست و نطق افغان سید حامد نوری بیرون از منزلش در ساحه مکروریان اول شهر کابل در حالی یافت گردید که چندین نشانه چاقو و دیگر ابزار قاطعه در بدن او دیده می شد. ژورنالیست مرحوم که ۴۵ سال عمر داشت به حیث معاون اتحادیه ملی خبرنگاران افغانستان، معجری در رادیو تلویزیون ملی افغانستان و سخنگوی محمد یونس قانونی رییس اسبق مجلس نمایندگان افغانستان ایفای وظیفه نموده بود.

۲۰ سپتمبر (۲۹ سنبله ۱۳۸۹): منزل رحمت الله نیکزاد گزارشگر محلی تلویزیون الجزیره در ولایت غزنی از سوی نیروهای خارجی مورد حمله قرار گرفت و او توسط این نیروها بازداشت گردید. فامیل نیکزاد نیروهای خارجی را متهم ساخت که منزل آنها را غارت نموده و تمام وسایل خانه آنها را زیر و رو کردند. از سوی دیگر نیروهای بین المللی ایساف به نیکزاد اتهام زد که ماهرانه برای متخلفین مسلح دولت و طالبان تبلیغ می نماید. نیکزاد بتاريخ ۲ میزان ۱۳۸۹ از زندان دوباره رهایی یافت.

۲۴ اکتوبر (۲ عقرب ۱۳۸۹): جیوا سیلوا عکاس نیویارک تایمز وقتی مجروح گردید که در جنوب افغانستان به همراه نظامیان امریکایی سفر می نمود و با ماین کنار جاده تصادم نمود. در این انفجار سیلوا هر دو پای خود را از دست.

۱۱ دسمبر (۲۰ قوس ۱۳۸۹): غایتی عبدالاحد گزارشگر روزنامه بریتانوی گاردین با همکار افغان و کمره مین خود در ولایت کنر اختطاف گردیدند. آنها بعد از چهار روز بتاريخ ۲۴ قوس دوباره رها گردیدند. اما واضح نشد که چه گروهی این ژورنالیستان را اختطاف نموده.

## ۲۰۱۱:

۹ جنوری (۱۹ جدی ۱۳۸۹): اسدالله وحید مسؤل مدیر روزنامه ی سرنوشت توسط لوی سارنوال بنا بر شکایت رنگین داد فر اسپنتا مشاور امنیتی ملی رییس جمهور افغانستان بازداشت شد. این روز نامه در یکی از شماره های هفته گذشته خود خبری مبنی بر تشکیل یک گروه مسلح از سوی برادر رنگین دادفر اسپنتا عضو اسبق مجلس نمایندگان افغانستان منتشر کرده بود. وحید پس از ۳۰ ساعت رها گردید.

۱۸ می (۲۸ ثور ۱۳۹۰): شماری از خبرنگاران که می خواستند از جریان تظاهرات شهروندان ولایت تخار در برابر نیروهای بین المللی به دلیل حمله بریک منزل و کشته شدن چهارتن توسط آنها گزارش تهیه نمایند، هم از سوی موظفین امنیتی و هم از جانب مظاهره کنندگان مورد خشونت و ت و کوب قرار گرفته اند.

محمد اسماعیل مدبر، گزارشگر تلویزیون آیین، یکی از خبرنگاران است که در این تظاهرات مورد ت و کوب مأموران امنیتی قرار گرفته و گویا در شلیک پولیس شدیداً مجروح شده است.

۲۰ می (۳۰ ثور ۱۳۹۰): داکتر صبغت الله خاکساری، مدیر مسؤل هفته نامه صدای بدخشان زمانی که میخواست صبح وقت از منزلش بیرون شود، یکی از دو ماین جاسازی شده در عقب درب منزلش انفجار نمود که در اثر آن موتر حامل اش سطحی تخریب شد، اما به خودش آسیبی نرسید. آقای صبغت الله خاکساری که پس از این سوء قصد شهر فیض آباد ولایت بدخشان را ترک نموده و در کابل به سر می برد، می گوید که عاملان سوء قصد به جانش را می شناسد اما بخاطر حفظ جانش از افشاء نام آن ها خودداری می کند.

داکتر خاکساری می گوید؛ حلقه خاصی در داخل حکومت محلی بدخشان وجود دارد که تحمل فعالیت هفته نامه صدای بدخشان را ندارد و او را با تلفون تهدید کرده اند.

منابع: انجمن آزاد ژورنالیستان افغانستان

خبر نگاران بدون مرز به نقل از دیدبان رسانه های افغانستان:

<http://www.rsf-persan.org/article17083.html>

<http://www.rsf-persan.org/article17083.html>

## تلفات غیرنظامی در جنگ (۲۰۰۱ تاکنون)

در یک دهه گذشته هزاران نفر غیرنظامی مستقیماً به دست نیروهای شورشی یا خارجی در افغانستان کشته شده اند. ده ها هزار نفر نیز غیرمستقیم در اثر آوارگی، گرسنگی، بی پناهی، بیماری، نبود امکانات پزشکی، جنایت و بی قانونی ناشی از جنگ درگذشته اند. تعداد غیرنظامیانی که در اثر عملیات نظامی خارجی کشته می شوند باعث افزایش تنش بین دولت افغانستان و کشورهای خارجی شده است.

برآوردها

آمار رسمی در باره تعداد کل تلفات غیرنظامی در جنگ از سال ۲۰۰۱ تاکنون وجود ندارد، اما برآوردهایی که سازمان های مستقل منتشر کرده اند در اینجا گردآوری شده است.<sup>۱</sup>

اگر منابع خاطرنشان کرده اند که این برآوردها احتمالاً کمتر از تعداد واقعی است.

سال	غیر نظامیانی که در عملیات شورشیان کشته شده اند	غیر نظامیانی که در عملیات نظامی به رهبری امریکا کشته شده اند	غیر نظامیانی که در نتیجه جنگ کشته شده اند
۲۰۰۱	موجود نیست	<ul style="list-style-type: none"> <li>برآورد «پروژه آترناتیو دفاعی» در ۳ ماه (۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ تا ۱ جنوری ۲۰۰۲): حداقل ۱۳۰۰ - ۱۰۰۰ غیرنظامی در بمباران‌های مستقیم هوایی به رهبری امریکا؛ تا اواسط جنوری ۲۰۰۲، حداقل ۳۲۰۰ نفر دیگر در نتیجه «گرسنگی، بی پناهی و بیماری های مرتبط با آن، یا جراحت در هنگام فرار از جنگ»، در نتیجه جنگ و حمله های هوایی امریکا</li> <li>لوس آنجلس تایمز: به نقل از روزنامه های امریکایی، انگلیسی و پاکستان و خبرگزاری های بین المللی، در ۵ ماه (۷ اکتبر ۲۰۰۱ تا ۲۸ فبروری ۲۰۰۲)، ۱۰۶۷ تا ۱۲۰۱ غیرنظامی در بمباران ها کشته شده اند</li> <li>تحلیل روزنامه گاردین در سال ۲۰۰۲: در سال ۲۰۰۱ در حدود ۲۰۰۰۰ نفر در نتیجه غیرمستقیم حمله های هوایی امریکا و هجوم زمینی کشته شده اند.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تلفات مستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: حداقل ۳۱۰۰ تا ۳۶۰۰ نفر</li> <li>تلفات غیر مستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: حداقل ۲۰۰۰ تا ۳۲۰۰</li> <li>تلفات مستقیم و غیرمستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: ۲۳۶۰۰ تا ۳۱۰۰</li> </ul>
۲۰۰۲	موجود نیست	<ul style="list-style-type: none"> <li>برآورد پرفسور مارک هرولد از دانشگاه نیو همپشیر: در ۲۰ ماه (۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ تا ۳ جون ۲۰۰۳) حداقل ۳۶۰۰ تا ۳۱۰۰ غیرنظامی در حمله های مستقیم نیروهای زیر رهبری امریکا کشته شده اند.</li> <li>تلفات مستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: حداقل ۳۶۰۰ تا ۳۶۰۰ نفر</li> <li>تلفات غیر مستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: حداقل ۳۲۰۰ تا ۲۰۰۰۰</li> <li>تلفات مستقیم و غیرمستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: ۲۰۰۱ تا ۶۳۰۰ تا ۲۳۶۰۰</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تلفات مستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: حداقل ۳۱۰۰ تا ۳۶۰۰ نفر</li> <li>تلفات غیر مستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: حداقل ۲۰۰۰ تا ۳۲۰۰</li> <li>تلفات مستقیم و غیرمستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: ۲۳۶۰۰ تا ۳۱۰۰</li> </ul>
۲۰۰۳	موجود نیست	<ul style="list-style-type: none"> <li>تلفات مستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: حداقل ۳۶۰۰ تا ۳۶۰۰ نفر</li> <li>تلفات غیر مستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: حداقل ۳۲۰۰ تا ۲۰۰۰۰</li> <li>تلفات مستقیم و غیرمستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: ۲۰۰۱ تا ۶۳۰۰ تا ۲۳۶۰۰</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تلفات مستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: حداقل ۳۱۰۰ تا ۳۶۰۰ نفر</li> <li>تلفات غیر مستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: حداقل ۲۰۰۰ تا ۳۲۰۰</li> <li>تلفات مستقیم و غیرمستقیم در ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱: ۲۳۶۰۰ تا ۳۱۰۰</li> </ul>
۲۰۰۴	موجود نیست	موجود نیست	موجود نیست
۲۰۰۵	موجود نیست	<ul style="list-style-type: none"> <li>برآورد پرفسور مارک هرولد از دانشگاه نیو همپشیر: حداقل ۴۰۸ تا ۴۷۸ غیرنظامی در حمله های مستقیم امریکا/ناتو کشته شده اند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تلفات مستقیم: حداقل ۴۰۸ تا ۴۷۸ غیرنظامی</li> <li>تلفات غیر مستقیم غیرنظامی: موجود نیست</li> </ul>
۲۰۰۶	<ul style="list-style-type: none"> <li>برآورد دیده بان حقوق بشر: در سال ۲۰۰۶، حداقل ۶۹۹ غیرنظامی به دست نیروهای شورشی کشته شدند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>برآورد دیده بان حقوق بشر: در سال ۲۰۰۶، حداقل ۲۳۰ غیرنظامی در حمله های امریکا یا ناتو کشته شدند؛ ۱۱۶ نفر در حمله های هوایی و ۱۱۴ نفر در حمله های زمینی</li> <li>برآورد پرفسور مارک هرولد از دانشگاه نیو همپشیر: حداقل ۶۳۵ تا ۷۶۹ غیرنظامی در حمله های مستقیم امریکا/ناتو کشته شده اند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>برآورد دیده بان حقوق بشر: در سال ۲۰۰۶، حداقل ۶۹۹ غیرنظامی به دست نیروهای شورشی کشته شدند</li> </ul>
۲۰۰۷	<ul style="list-style-type: none"> <li>برآورد یوناما: ۷۰۰ غیرنظامی در ۲۰۰۷ به دست نیروهای ضددولتی کشته شدند که برابر است با ۴۴۶٪ تلفات غیرنظامی</li> <li>برآورد دیده بان حقوق بشر: در سال ۲۰۰۷، حداقل ۹۵۰ غیرنظامی به دست نیروهای مختلف شورشی کشته شدند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>برآورد دیده بان حقوق بشر: در سال ۲۰۰۷، حداقل ۴۳۴ غیرنظامی در حمله های امریکا یا ناتو کشته شدند؛ ۳۲۱ نفر در حمله های هوایی و ۱۱۳ نفر در حمله های زمینی، ۵۷ نفر در نتیجه گرفتار شدن در بین دو طرف و ۱۹۲ نفر در شرایط نامعلوم</li> <li>برآورد یوناما: ۶۲۹ غیرنظامی در ۲۰۰۷ به دست نیروهای بین المللی و نیروهای افغانستان کشته شدند که برابر است با ۴۱٪ تلفات غیرنظامی</li> <li>برآورد پرفسور مارک هرولد از دانشگاه نیو همپشیر: حداقل ۱۰۱۰ تا ۱۲۹۷ غیرنظامی در حمله های مستقیم امریکا/ناتو کشته شده اند.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>برآورد یوناما: ۱۵۲۳ غیرنظامی در ۲۰۰۷ در نتیجه مستقیم جنگ کشته شدند</li> <li>برآورد دیده بان حقوق بشر: در سال ۲۰۰۷، حداقل ۱۶۳۳ غیرنظامی در درگیری ها کشته شدند</li> <li>تلفات غیر مستقیم غیرنظامی: موجود نیست</li> </ul>

<p>• برآورد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان: در سال ۲۰۰۸، در حدود ۱۸۰۰ غیرنظامی در نتیجه درگیری مسلحانه کشته شدند</p> <p>• برآورد یوناما: ۲۱۱۸ غیرنظامی در ۲۰۰۸ در نتیجه مستقیم جنگ کشته شدند که بیشترین تعداد پس از هجوم اولیه در ۲۰۰۱ تاکنون است</p> <p>• برآورد دیده بان حقوق افغانستان: در ۲۰۰۸ در حدود ۳۹۱۷ غیرنظامی کشته شدند. بیش از ۶۸۰۰ نفر زخمی و ۱۲۰۰۰۰ نفر آواره شدند.</p> <p>• تلفات غیر مستقیم غیرنظامی: موجود نیست</p>	<p>• برآورد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان: در سال ۲۰۰۸، حداقل ۸۰۰ غیرنظامی به دست نیروهای زیر رهبری امریکا کشته شدند</p> <p>• برآورد یوناما: ۸۲۸ غیرنظامی در ۲۰۰۸ در عملیات نظامی به رهبری نیروهای بین المللی کشته شدند که برابر است با ۳۳۹ تلفات غیرنظامی. حملات هوایی بیشترین تعداد تلفات را باعث شد، یعنی ۵۵۲ غیرنظامی (برابر با ۶۴٪ کل) در حمله های هوایی امریکا/ناتو کشته شدند</p> <p>• به گفته سفیر افغانستان در استرالیا، امان الله جیحون: در ۲۰۰۸، ۱۰۰۰ غیرنظامی افغان به دست نیروهای ائتلاف کشته شدند</p> <p>• برآورد دیده بان حقوق افغانستان: در ۲۰۰۸ بیش از ۱۶۲۰ غیرنظامی به دست نیروهای زیر رهبری امریکا کشته شدند که شامل ۶۸۰ نفر در حمله های هوایی بود. به برآورد دیده بان حقوق افغانستان، در عملیات نظامی ناتو و نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا حداقل ۲۸۰۰ نفر زخمی و ۸۰۰۰۰ نفر آواره شدند.</p> <p>• برآورد پرفسور مارک هرولد از دانشگاه نیو همپشیر: حداقل ۸۶۴ تا ۱۰۱۷ غیرنظامی در حمله های مستقیم امریکا/ناتو کشته شدند.</p>	<p>• برآورد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان: در سال ۲۰۰۸، حداقل ۱۰۰۰ غیرنظامی به دست نیروهای شورشی کشته شدند</p> <p>• برآورد یوناما: ۱۱۶۰ غیرنظامی در ۲۰۰۸ به دست نیروهای ضددولتی کشته شدند که برابر است با ۵۵٪ تلفات غیرنظامی</p> <p>• برآورد دیده بان حقوق افغانستان («افغانستان رایترز مونیتور»): در ۲۰۰۸ بیش از ۲۳۰۰ غیرنظامی به دست نیروهای شورشی کشته شدند که شامل ۹۳۰ نفر در بمب گذاری های انتحاری بود</p>	<p>۲۰۰۸</p>
<p>• برآورد یوناما: ۲۴۱۲ غیرنظامی در ۲۰۰۹ کشته شدند که در مقایسه با تعداد سال ۲۰۰۸، ۱۴٪ افزایش داشت. در مورد ۱۸۶ نفر از کشته شدگان، یوناما قادر نبود مشخصا آنها را به یکی از طرفین نسبت دهد</p> <p>• تلفات غیر مستقیم غیرنظامی: موجود نیست</p>	<p>• یوناما در ۲۰۰۹، کشته شدن ۵۹۶ غیرنظامی را به نیروهای بین المللی نسبت داد که یک چهارم مجموع ۲۴۱۲ تلفات غیرنظامی در این سال بود</p>	<p>• یوناما در ۲۰۰۹، کشته شدن ۱۶۳۰ غیرنظامی را به نیروهای ضددولتی نسبت داد که دو سوم مجموع ۲۴۱۲ تلفات غیرنظامی در این سال بود</p>	<p>۲۰۰۹</p>
<p>• یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ۲۰۱۰، کشته شدن ۲۷۷۷ نفر غیرنظامی را ثبت کردند که در مقایسه با ۲۰۰۹، ۱۵٪ افزایش نشان می داد. در مورد ۲۹ کشته شدگان یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان قادر نبودند مشخصا آنها را به یکی از طرفین نسبت دهند</p>	<p>• یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ۲۰۱۰، کشته شدن ۴۴۰ غیرنظامی را به نیروهای زیر رهبری امریکا نسبت دادند که ۲۶٪ کمتر از ۲۰۰۹ بود و ۱۵/۹٪ تلفات غیرنظامی افغانستان از مجموع ۲۷۷۷ نفر را تشکیل می داد</p>	<p>• یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ۲۰۱۰، کشته شدن ۲۰۸۰ غیرنظامی را به نیروهای ضددولتی نسبت دادند که ۲۸٪ بیش از ۲۰۰۹ بود و ۷۴/۹٪ تلفات غیرنظامی افغانستان از مجموع ۲۷۷۷ نفر را تشکیل می داد</p>	<p>۲۰۱۰</p>
<p>• یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در شش ماه اول ۲۰۱۱، کشته شدن ۱۴۶۲ نفر غیرنظامی را ثبت کردند که در مقایسه با ۲۰۱۰، ۱۵٪ افزایش نشان می داد. در مورد ۲۶ کشته شدگان یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان قادر نبودند مشخصا آنها را به یکی از طرفین نسبت دهند</p>	<p>• یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در شش ماه اول ۲۰۱۱، کشته شدن ۲۰۷ غیرنظامی را به نیروهای زیر رهبری امریکا نسبت دادند که ۲۹٪ کمتر از مدت مشابه در ۲۰۰۹ بود و ۱۴/۲٪ تلفات غیرنظامی افغانستان از مجموع ۱۴۶۲ نفر را تشکیل می داد</p>	<p>• یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در شش ماه اول ۲۰۱۱، کشته شدن ۱۱۶۷ غیرنظامی را به نیروهای ضددولتی نسبت دادند که ۲۸٪ بیش از مدت مشابه در ۲۰۰۹ بود و ۷۹/۸٪ تلفات غیرنظامی افغانستان از مجموع ۱۴۶۲ نفر را تشکیل می داد</p>	<p>۲۰۱۱</p>
<p>• آمار کشته شدگان مستقیم: حداقل ۱۷۲۰۸ - ۱۴۴۱۱</p> <p>• آمار کشته شدگان غیرمستقیم در هجوم اولیه: ۳۲۰۰ - ۲۰۰۰۰</p> <p>• جمع مستقیم و غیرمستقیم: ۳۷۲۰۸ - ۱۷۶۱۱</p> <p>• تلفات غیر مستقیم پس از هجوم اولیه: موجود نیست</p>	<p>• آمار کشته شدگان مستقیم: ۹۰۰۷ - ۶۲۱۵</p> <p>• آمار کشته شدگان غیرمستقیم در هجوم اولیه: ۲۰۰۰۰ - ۳۲۰۰</p> <p>• جمع مستقیم و غیرمستقیم: ۲۹۰۰۷ - ۹۴۱۵</p>	<p>• آمار کشته شدگان مستقیم: ۸۸۲۶ - ۷۲۶۷</p>	<p>مجموع</p>
<p><b>غیر نظامیانی که در نتیجه جنگ کشته شده اند</b></p>	<p><b>غیر نظامیانی که در عملیات نظامی به رهبری امریکا کشته شده اند</b></p>	<p><b>غیر نظامیانی که در عملیات شورشیان کشته شده اند</b></p>	<p><b>سال</b></p>

منبع: [http://en.wikipedia.org/wiki/Civilian\\_casualties\\_in\\_the\\_War\\_in\\_Afghanistan\\_%282001%E2%80%93present%29](http://en.wikipedia.org/wiki/Civilian_casualties_in_the_War_in_Afghanistan_%282001%E2%80%93present%29)





## پیام نهادهای جامعه مدنی افغانستان برای کنفرانس بین المللی افغانستان در بن

با اذعان به اینکه تدویر دومین کنفرانس بین المللی بن یک فرصت مناسب دیگر برای دولت جمهوری اسلامی افغانستان و جامعه بین المللی می باشد...

• در تقویه نهاد های دموکراتیک و جامعه مدنی، منجبت بل ارتباط، بین کشور های منطقه و مخصوصاً فی مابین افغانستان و پاکستان حمایت های لازم سیاسی و تخنیکي را ارائه نماید.

### o در پروسه انتقال:

توقع از دولت اسلامی افغانستان:

- مرحله دوم انتقال مسوولیت های امنیتی پس از ارزیابی دقیق مرحله اول و درس های آموخته شده از آن با در نظر داشت ظرفیت ها، منابع (بشری و مالی)، و رضایتمندی و خواست مردم آغاز گردد،
- توجه متوازن به بعد ملکی پروسه (کیفیت عرضه خدمات اجتماعی بدون تبعیض قومی و جنسی، حکومتداری خوب، مبارزه موثر با فساد اداری، تعمیم حقوق بشر، و اصلاح و استقلالیت نظام قضائی) همزمان با بعد نظامی (تقویه و تجهیز کمی و کیفی نهاد های امنیتی) نیز صورت گیرد،
- حاکمیت قانون، تقویه نهاد ها و پروسه های دموکراتیک (اصلاح و استقلالیت پروسه های انتخاباتی، بالاخص)، و شایسته سالاری منجبت اولویت های اساسی کاری دولت تطبیق گردند،
- تقویه روابط سالم کاری بین نهاد های ثلاثه دولتی، و مشخصاً ایجاد یک کابینه مسلکی، پاسخگو و موثر.

### توقع از جامعه بین المللی:

- تقویه سیستم ها و نهاد ها (مشخصاً نهادهای دموکراتیک و جامعه مدنی)، و تمرکز بر نظام سازی به جای کمک و حمایت از افراد و گروه های وابسته و مشخص،
- جلوگیری از ساختار های موازی و مماثل امنیتی (اربکی ها، پولیس محلی و کمپنی های امنیتی) و تمرکز بر تقویه نیروی های ملی امنیتی (اردو و پولیس ملی)،
- ادامه حمایت های سیاسی، مالی و تخنیکي از پروسه دولت سازی و ملت سازی در افغانستان، با اعمال فشار های لازم سیاسی بالای نیرو های مداخله گر منطوقی برای ایجاد ناامنی ها در افغانستان،
- حمایت های مستمر از نقش نظارتی، مشورتی، و متمم نهاد های جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر و فعالین حقوق زنان بر حکومتداری خوب و فراگیر و پاسخگو.

### توقع همزمان از دولت افغانستان و جامعه بین المللی:

- در جریان پروسه انتقال مسوولیت ها، توقع برده می شود تا ظرفیت ها و توانمندی های نهاد های جامعه مدنی که بصورت بالفعل وجود دارد در پروسه های عرضه خدمات اجتماعی و تطبیق برنامه های اولویت ملی افغانستان (NPP) مورد حمایت و بهره برداری های موثر قرار گیرد.

### o تعهدات دراز مدت جامعه بین المللی:

درین مورد مشخصاً توقع برده می شود تا جامعه بین المللی:

- همکاری های دراز مدت خود را با دولت افغانستان در قسمت تطبیق پروژه های درازمدت توسعه ای (برنامه های موثر فرزندی، حمایت از صنایع داخلی، زراعت، آبیاری، تجارت، اعمار سرکها و سایر تاسیسات زیربنایی) که افغانستان را به خودکفایی و توسعه پایدار برساند، ادامه بدهد،
- با در نظر داشت تجارب دهه گذشته مبارزه با تروریسم (درسطوح منطوقی و بین المللی آن) و مواد مخدر (زرع، تولید، و قاچاق آن) مبارزه جدی نموده و ظرفیت ها و توانمندیها دولت جمهوری اسلامی افغانستان را در مقابله به آن تقویه نماید،
- دولت افغانستان را در ارائه ارقام و احصائیه های دقیق از طریق راه اندازی سرشماری ملی که برای توسعه و رشد اقتصادی کشور اهمیت دارد، از لحاظ مالی، تخنیکي، و امنیتی یاری رساند،
- سیاست واحد و عملی مبارزه با فساد را طرح ریزی نموده و دولت افغانستان را در تطبیق آن، و از نقش نهاد های جامعه مدنی و فعالین حقوق بشر در نظارت از آن، بخاطر تقویه حکومتداری خوب و پاسخگو، حمایت و پشتیبانی همه جانبه نماید،
- ارزیابی و موثریت کمک های ارائه شده را با تقویه نقش های خدماتی و نظارتی نهاد های جامعه مدنی و نهاد های منتخب مردم بیشتر و شمرتر سازد،

### o راه حل های سیاسی و ادغام مجدد:

جامعه مدنی افغانستان همواره از تلاش های صلح و مذاکره حمایت می نماید که مبتنی بر رعایت حقوق بشر، حقوق زنان، عدالت اجتماعی، خواست قربانیان جنگ، و ارزش های پذیرفته شده دینی، ملی، و بین المللی باشد. بناً

از دولت جمهوری اسلامی افغانستان توقع دارد:

- بر بنیاد تجارب گذشته و نا کارائی های سیاست هائی امتیاز دهی یک جانبه، استراتژی صلح و ادغام مجدد باید جزایفک و متمم برنامه های حکومتداری خوب، تشدید مبارزه با فساد، اصلاح نظام قضائی و استقلالیت عمل آن، ختم فرهنگ معافیت و تامین عدالت باشد و بصورت شفاف و موثر تطبیق گردد،
- مذاکرات و تلاش ها برای صلح و آشتی باید موازین و معیار های مدنی و حقوق بشری را طوری حمایت نماید تا دولت افغانستان با یک دید روشن و میکانیزم های عملی با تفکیک موثر دوست و دشمن پلیسی های کاری خود را طرحریزی و تطبیق نماید،
- مطابق بر تعهدات کنفرانس های قبلی بین المللی و کنفرانس کابل اقدامات عملی در راستای تطبیق برنامه عمل و عدالت انتقالی و زمینه های موثر حاکمیت قانون، عدالت و بازپرس قانونی در عمل پیاده گردد،
- ارزش های حقوق بشری، حقوق زن، آزادی های اساسی و مدنی، به هیچ صورت قربانی تلاش های سیاسی برای صلح و پروسه ادغام مجدد نگردد،
- مخالفینی که به پروسه ادغام مجدد می پیوندند، باید بر اساس یک راهکار و میکانیزم که عدالت و حسابدگی را صدمه نرساند، و از طرفی خطر دوباره برای مردم و کشور متصور نباشد مورد بررسی قرار گیرند.

### از جامعه بین المللی توقع برده می شود:

- تا تاکید بر راه حل های سیاسی و تسریع روند ادغام مجدد، منجبت یک استراتژی خروج پیش از وقت شمرده نشود،
- تا ابعاد منطوقی و بین المللی منازعه افغانستان را از نظر دوردن داشته، و بر رفع ریشه های برونی این عوامل (از طریق فشارهای نظامی، اقتصادی، و سیاسی) دولت افغانستان را یاری رسانند،
- تا با قانونمندی بر حضور خود در افغانستان و مبتنی بر تعهدات بین المللی بر بنیاد کنوانسیون های ژنیو، از تلفات ملکی بصورت جدی جلوگیری نموده، تا زمینه های بهره برداری های سیاسی را توسط نیروهای بنیادگرا و مغرضین منطوقی محدود سازد،
- تا نقش دادخواهی نهاد های جامعه مدنی و مدافعین حقوق بشر را در حمایت های قانونی از قربانیان جنگ و از میکانیزم های رسیده گی به جنایات جنگی، همزمان با تقویه ظرفیت های کاری دولت درین راستا بیشتر مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد.

- معیار ها و ارزش های بین المللی حقوق بشر در افغانستان در همه عرصه های کمک رسانی (نظامی و ملکی) در عمل پیاده شده و نقش نهاد های حامی و نهادهای جامعه مدنی در پروسه های مشورتی، کمک رسانی و خدماتی، آگاهی دهی و دادخواهی ها همواره حمایت گردد.

در نهایت نهاد های جامعه مدنی افغانستان توقع دارد تا کنفرانس بن فرصتی باشد تا زمینه تلاقی دیدگاه های دولت جمهوری اسلامی افغانستان، با دیدگاه های جامعه بین المللی و جامعه مدنی افغانستان برای آینده مردم و کشور افغانستان فراهم گردد.

شهر بن، کشور فدرالی آلمان

دوشنبه ۵ دسامبر ۲۰۱۱

۱ - در اینجا خلاصه ای از بیانیته آمده است. متن کامل آن در منبع زیر در دسترس است:

[http://www.aihrc.org/2010\\_dari/CS\\_Animation/CS\\_Msge\\_Dari.pdf](http://www.aihrc.org/2010_dari/CS_Animation/CS_Msge_Dari.pdf)



# زنان افغان بسوی کنفرانس بن و فراتراز آن

سند موقفا  
۱۴ میزان ۱۳۹۰ مطابق (۱۶ اکتوبر ۲۰۱۱)

همیشگی معافیت افغانها را بسوی یک فرهنگی که حاکمیت قانون را رعایت کند؛ متحد و رهنمایی نخواهد کرد.

## صلح و برنامه ادغام مجدد

«شما نمیتوانید با بیرون گذاشتن نصف مردم صلح را بیاورید»

رئیس جمهور کرزی اخیراً اعلام نمود که توافق سیاسی با طالبان پیگیری نخواهد شد... زمان آن رسیده که یک تفاهم ملی درمورد آشتی مجدد که هر افغان را در بحث ها روی چگونگی حصول اطمینان درمورد تحکیم قانون، دسترسی به عدالت و حفاظت حقوق بشر و حقوق زنان به سطح محلی و ملی دخیل میسازد؛ صورت گیرد. زنان باید نقش پرمفهوم و مهم در دیزاین و انجام این تفاهم و گفتن داشته باشند. منحنی یک بخشی از برنامه صلح و ادغام مجدد (APRP) زنان در شورای عالی صلح و شوراها و لایته صلح شامل گردیدند. شبکه زنان افغان بصورت دوامدار جهت شامل سازی ۳۰٪ زنان در سطح رهبری و مدیریت شورای عالی صلح و شوراها و لایته صلح دادخواهی و مذاکره نموده است ولی سطح شامل سازی زنان در سطح رهبری تا هنوز بسیار پائین باقی مانده است - تقریباً ۱۳٪ در شوراها و لایته صلح و ۱۰-۱۵٪ زنان در شورای عالی صلح... هر نوع مذاکره در سطح محلی و ملی با طالبان یا با گروه های دیگر باید شروط قبول نمودن قانون اساسی افغانستان بطور کامل و پابندی به تمام قوانین ملی و بین المللی درمورد اشتراک مساویانه زنان در عرصه های سیاست، تعلیم و تربیه، انکشاف اجتماعی و دیگر فعالتهای مدنی؛ را دربرداشته باشند.

۱. حکومت افغانستان باید گفتن ملی به رهبری جامعه مدنی را به رسمیت بشناسد...

۲. مخالفین که به ادغام مجدد متعهد شده اند باید به شکل دقیق و جدی برای حد اقل مدت دوسال توسط حکومت افغانستان تحت برنامه (برنامه صلح و ادغام مجدد) نظارت شوند تا اطمینان حاصل گردد که این افراد پیوسته به دولت با وجود اشتراک در برنامه صلح و ادغام مجدد (، دیگر به شمولیت در صفوف مخالفین ادامه نمیدهند...

۳. کمک مرحله انتقالی برای مخالفین که به دولت می پیوندند باید فامیلی باشد نه فردی...

۴. تخصیص ۲۵-۳۰٪ بودجه برنامه صلح و ادغام مجدد برای پروژه های احیای محلات باید برای برنامه های که زنان از آن مستقیماً مستفید میشوند حفظ شود...

## تعهدات بین المللی بعد از سال ۲۰۱۴

افغانستان کنونی از افغانستان که در کنفرانس بن ۲۰۰۱ اشتراک کرد، امروز متفاوت است... بدین ملحوظ بطور غیرمستقیم کمکهای بین المللی برای آجنداهای سیاسی به مصرف میرسند، نه برای نیازهای اساسی افغانها. برای ثبات و حفظ دستاوردهای ده سال گذشته، پیمان ها استراتژیک باید منحنی یک سند الزام آور بین حکومت افغانستان، ایالات متحده امریکا و دیگر ممالک تصویب گردد. تمام توافقات دوجانبه و چندین جانبه باید هدف مهم حفظ و انکشاف حقوق زنان افغان را بطور واضح تصریح نماید.

همکاریهای منطقی باید روی محور فقر روزافزون و شاخص های پایین صحت و تعلیم و تربیه، که آسیای جنوبی را به چالش کشیده

است، متمرکز باشد... زیرا که تجربه ما به خصوص در سرحدات افغانستان و پاکستان نشان میدهد که فیزیکی از مهمترین عوامل منازعات بین

مردم است...

۱. کمکهای بین المللی بعد از سال ۲۰۱۴ باید یک تخصیص بودجه واضح براساس جندر را دارا باشد...

۲. یوناما باید در افغانستان در بخش نظارت از پروسه های انتقال و صلح رول نظارتی قوی داشته برطبق مواد ۱۳۲۵، ۱۸۲۰، ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد...

۳. سازمانهای زنان در افغانستان و پاکستان منحنی یک پل بین مردم در دوطرف سرحد باید در یک تفاهم و گفتن منطقی بین مردم توسط جامعه جهانی دخیل ساخته شوند...

## نگاه به سوی آینده

... زنان افغان میخواهند که با استفاده از این فرصت از حکومت افغانستان و حمایت کننده های بین المللی آن حسابدهی بخواهند...

ما منحنی زنان افغانستان از حال تا کنفرانس بن و بعد از آن هنگام پروسه انتقال ناظر پروسه خواهیم بود تا ببینیم که آیا حکومت افغانستان و حمایت کننده گان بین المللی آن برای بار اخیر مسولیت ها و تعهدات شان را در قبال زنان افغان انجام خواهند داد و یا خیر ؟

۱ - در اینجا خلاصه ای از بیانیته آمده است. متن کامل در:

<http://www.afghanwomennetwork.af/Latest%20Updates/Afghan%20Women%20Network%20Paper%20Oct%202008-2011-%20final.pdf>

مقدمه

زنان افغان نگران اند که باوجود دستاوردهای مثبت در زندگی زنان در ده سال گذشته، وضعیت پیشرفت و ترقی شکننده بوده و بعضی اوقات محدود به الفاظ و شعار است... زنان افغان معتقد اند که هر برنامه ونقشه ای که برای پیشرفت اقتصادی، صلح، ثبات و امنیت در افغانستان که شمولیت و اشتراک زنان را نادیده بگیرند؛ آنها دیدگاه و اهداف شان را به دست نخواهند آورد...

## زنان افغان: واقعیت ها، دیدگاه ها و سفارشات

اولین کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ یک چهارچوب جدید برای حکومت افغانستان تاسیس و ایجاد نمود. افتخار اکثریت دستاوردهای زنان در ده سال گذشته را میتوان منسوب به دیدگاه تعیین شده درمورد زنان در سال ۲۰۰۱ نمود. بدین لحاظ، زنان افغان توقع دارند که ده سال بعد از کنفرانس اول بن، دستاوردها و زحمات آنها برای حقوق و آزادی شان نه تنها اینکه تحکیم باید بلکه در کنفرانس بن ۲۰۱۱ درمورد افغانستان، باید بیشتر ارتقا و پیشرفت نماید...

بعد از ده سال دخیل بودن جامعه جهانی افغانستان هنوز هم در تلاش به سوی پیشرفت است. دیموکراسی، حقوق بشر، انکشاف، صلح و ثبات منحنی مسایل مهم در اذهان اکثریت افغانها است...

## انتقال (پروسه انتقال مسولیت ها)

امنیت :

پالیسی سازان و حکومت افغانستان بارها به صراحت اظهار نموده اند که پروسه انتقال تنها دربرگیرنده امور نظامی و امنیتی نیست، درحالیکه تجربه عملی نشان میدهد که در زمان پروسه انتقال به بخشهای بهبود حاکمیت قانون، حکومتداری، دسترسی به عدالت و انکشاف متوازن و اینکه امنیت زنان در این نوع پروسه ها تا چه اندازه متاثر میشود، توجه نگردیده است...

طرح یک برنامه جامع برای انتقال و خروج نیروهای بین المللی ضروری است مگر پروسه سریع انتقال ممکن سرمایه گذاری و قربانی های بیشتر از ۲۰ کشور جهان، قربانی های متعدد نیروهای امنیتی افغان و همچنان مردم عام افغانستان؛ زنان، مردان و اطفال را در این کشور نیز به خطر خواهد انداخت...

۱. رهبران زنان و سازمانهای متمرکز بر زنان باید در دیزاین، نظارت و ارزیابی شاخص های ولایتی برای امنیت شامل باشند. این شاخص ها باید برای جهت دهی تصمیم مربوط به پروسه انتقال استفاده گردند... وضعیت عمومی امنیتی بدتر گردیده است که شواهد آن در کنار دیگر شاخص ها، افزایش حملات بالای افراد ملکی؛ محدودیتهای کاری بالای سازمانهای زنان و بلند رفتن تهدیدات مستقیم که سازمانهای زنان را مجبور نموده اند که یا کار خود را توقف دهند و یا هم به جای دیگر نقل مکان نمایند؛ میباشد

۲. بررسی ها برای استخدام نیروهای امنیتی افغان به شمول پولیس محلی افغان (ALP) باید شامل یک مولفه به سطح جامعه باشد که در آن گروههای زنان از محلات مربوطه بتوانند درمورد سوابق اشخاص جدیدالشمول در نیروهای امنیتی گزارش دهند... نتایج چنین یک بازبینی باید از تجاری جلوگیری کند که جنگ سالاران قبلی و یا فعلی با داشتن سابقه نقض حقوق بشر به شکل اتوماتیک یک بخش اخبار ملی میگردد. راپورها از مناطقی که پروسه انتقال در آن صورت گرفته است حاکی از آنست که مسولین ولایات مطابق اوامر حکومت مرکزی مخالفین و ملیشه های قبلی و فعلی را استخدام مینمایند... این استخدام شامل استخدام کسانی میشود که سوابق تجاوز بر زنان، قتل، شکنجه و سوء استفاده از قدرت را دارند...

۳. کشورهای بین المللی تمویل کننده مکلف اند تا یک برنامه جامع را برای حمایت از مدافعین حقوق بشری زنان؛ توسط ایجاد یک میکانیزم وگروپ تماس زنان در بحران را انکشاف دهند... حکومت افغانستان تا هنوز یک برنامه واضح برای حمایت از نیازهای حفاظتی مشخص زنان نداشته است. سازمانهای جامعه مدنی و گروه های زنان درمورد امنیت مدافعین حقوق بشری زنان نگران اند و از جامعه جهانی میخواهند که در این عرصه گامهای بردارند تا رهبران جامعه مدنی افغان به فشار های خود بالای حکومت شان جهت آوردن تغییرات ضروری ادامه دهند.

## حاکمیت قانون و عدالت انتقالی :

۱. حکومت افغانستان باید یک پروسه واضح راپوردهی در مقابل اسناد و قوانین بین المللی حقوق بشر که افغانستان آنرا امضا نموده است داشته باشد و افغانستان نیازمند آنست که نشان دهد که قوانین افغانستان به خصوص در ارتباط با امور زنان، در تضاد با تعهدات رسمی بین المللی افغانستان قرار ندارد...

۲. یک کمیسیون مشترک بین المللی و افغان حافظه جنگ باید ایجاد شود تا موارد نقض حقوق بشر، جرایم جنگی و تخلفات جنگی ۹۱ سال گذشته را مستند سازد... کمیسیون حافظه زمان جنگ (War Memory Commission) نباید به محکمه کشاندن جنایتکاران جنگی ( داخلی و خارجی ) خلاصه شود... فرهنگ

# پیام مؤسسه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان

## عنوانی «کنفرانس بین المللی افغانستان در بن»<sup>۱</sup>

به نام خداوند توانا

...قرار است به زودی «کنفرانس بین المللی افغانستان در بن» پیرامون وضعیت افغانستان تدویر یابد. مؤسسه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، امیدوار است که کنفرانس یادشده، به این پرسش مهم، پاسخ موجه ارایه نماید. مؤسسه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، آرزو دارد، که تعهدات این کنفرانس، روی صفحات کاغذ باقی نماند و جنبه عملی حاصل نماید. مؤسسه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، برای عملی شدن این امر مهم، نکات زیر را پیشنهاد میکند:

### ۱ - تقویت همکاریهای منطقه‌ای

... مؤسسه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، از تمامی شرکتهای کنندگان جامعه بین المللی در این کنفرانس میطلبد، تا برای حمایت از دیپلماسی فعال در افغانستان، مساعی خویش را به خرج دهند و برای ایجاد یک میکانیسم فعال و سازنده، در پیوند به مذاکرات صلح منطقه، بی، هرنوع حمایت خویش را دریغ نوزند.

### ۲ - حکومتداری خوب

... ضعف و ناتوانیهای گسترده، دامنگیر سیستم حکومتداری در افغانستان گردیده است. نبود هماهنگی میان مرکز و مناطق دور افتاده کشور، ضعف در مدیریت برنامه های ملی و بین المللی و فساد گسترده اداری، از نمونه های مهم این ادعاست.

مؤسسه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، از جامعه بین المللی می طلبد، تا برای استمرار و خودکفایی افغانستان، دولت افغانستان را در شکلگیری ساختارها و میکانیسمهای قبول شده بین المللی در پیوند با حکومتداری خوب، حمایت نماید.

### ۳ - تقویت مشروعیت نظام

...ضعف در تأمین امنیت و گسترده گی بی ثباتی سیاسی کشور، اعتماد و باور مردم را نسبت به حاکمیت کنونی، کم رنگ ساخته است. این امر سبب میگردد که مشروعیت نظام، با خطر مواجه گردد. به باور ما، ضعف مشروعیت نظام، مشروعیت جامعه بین المللی را نیز زیر پرسش قرار میدهد. ما افغانها، برای تقویت مشروعیت نظام خود و برای مشروعیت حضور جامعه بین المللی در افغانستان، به حمایت جدی نیاز داریم. مؤسسه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، از شرکت کنندگان «کنفرانس بین المللی افغانستان در بن» میطلبد، تا مردم و دولت افغانستان را در راستای اعتماد سازی بهتر، همکاری نمایند...

### ۴ - تقویت دموکراسی

... بدون دموکراسی نمیتوان اراده مردم را در سیاست و جامعه تمثیل کرد... تاریخ افغانستان، شاهد رژیمهای خودکامه و مستبدی بوده است. دموکراسی، پیامد مهمی برای نظام پس از طالبان در افغانستان است. ده سال اخیر نشان داد، که مردم افغانستان با وجود دشواریهای فراوان در عرصه های مختلف، برای تقویت و ترویج دموکراسی، رأی داده اند و از آن استقبال میکنند. مؤسسه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، از همکاران بین المللی افغانستان میطلبد، تا سازوکارهای دموکراتیک را در کشور تقویت نموده و برای ایجاد یک نظام ملی، مشروع و دموکراتیک، مردم افغانستان را تنها نگذارند.

### ۵ - تقویت حقوق بشر

... با تأسف، هنوز هم، تخطیهای گسترده از حقوق بشر در افغانستان، ادامه دارد. سوگمندانه باید گفت، که برای

رفع تخطی از حقوق بشر، برنامه ها، ساختارها و میکانیسمهای فعال، در چارچوبه های حقوقی نظام افغانستان، شکل نگرفته است. دولت افغانستان، که متعهد به کنوانسیونهای بین المللی حقوق بشر میباشد، نتوانسته است بر تعهدات خویش عمل نماید و زمینه های بهبود وضعیت حقوق بشر را فراهم سازد. این امر در نبود اراده و برنامه های دقیق دولت افغانستان در پیوند با عدالت انتقالی، به اثبات میرسد.

مؤسسه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، از شرکت کنندگان «کنفرانس بین المللی افغانستان در بن» میطلبد، تا حمایت شان را پس از سال ۲۰۱۴ میلادی نیز، در پیوند با تأمین و ترویج حقوق بشر و فعال سازی نقش زنان در جامعه افغانستان، تداوم بخشند.

### ۶ - تقویت جامعه مدنی

...نهادهای جامعه مدنی افغانستان، از شرکت کنندگان «کنفرانس بین المللی افغانستان در بن» تقاضا مینماید، تا حمایت شان را از جامعه مدنی افغانستان، به گونه جدی، ادامه دهند.

### ۷ - تقویت ساختارهای صلح پروری

صلح، برای مردم افغانستان، یک نیاز مهم و ارزشمند است. امنیت، نسبت به هر مؤلفه دیگری، برای شهروندان کشور، یک اصل حیاتی به حساب می آید. دولت افغانستان نیاز دارد، تا در حمایت جامعه بین المللی، راههای کارای رسیدن به صلح و امنیت را دریابد؛ اما فراموش نباید کرد، که تأمین امنیت نباید به قیمت امنیت شهروندی و یا حقوق شهروندی شهروندان افغانستان تمام گردد. زنان افغانستان نیز باید بریناد قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد، حق مشارکت در تأمین صلح، امنیت و ثبات را حاصل نمایند. مؤسسه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، از شرکت کنندگان «کنفرانس بین المللی افغانستان در بن» میطلبد، تا برای ایجاد ساختارهای مستمر صلح پروری، با رعایت ارزشهای حقوق بشر، دولت افغانستان را حمایت نموده و راههای برون رفت از وضعیت ناهنجار کنونی را دریافت نمایند.

### ۸ - انتقال مسئولیتها به دولت افغانستان

افغانستان باید بر سر پا بایستد و زمینه ها برای دولت خودکفا و با ثبات فراهم گردد. خودکفایی دولت افغانستان، به ایجاد ساختارها و ظرفیت پروری آنها نیاز مبرم دارد. حمایت از نیروهای رزمی و دفاعی کشور، حمایت از اقتصاد ملی تحت حاکمیت قانون و ارزشهای دموکراسی، هر کدام به جای خود، در اجرای موفقیت آمیز پروسه انتقال، نقش مهمی دارد.

مؤسسه جامعه مدنی و حقوق بشر، از شرکت کنندگان این کنفرانس مهم میطلبد، تا با درک حساس بودن موضوع، برای انتقال موفقانه مسئولیتها، ساختارهای حمایتی و نظارتی لازم را خلق نمایند...

۲۲ عقرب ۱۳۹۰، برابر با ۱۳ نوامبر ۲۰۱۱ میلادی

کابل - افغانستان

۱ - در اینجا خلاصه ای از بیانیه آمده است. متن کامل آن در منبع زیر در دسترس است:

<http://www.cshro.af/Documents%20of%20CSHRN/News%20and%20Reports/News%20and%20Reports.htm>

## بیانیه مشترک سازمان های غیردولتی به کنفرانس استانبول

کابل، ۱ نوامبر ۲۰۱۱

بشردوستانه احترام بگذارند

گزیده هایی از بیانیه مشترک سازمان های غیردولتی داخلی و بین المللی که در زمینه توسعه و کمک های بشردوستانه در افغانستان فعال هستند در زیر ارایه می گردد.<sup>۱</sup>

### ۱. امنیت

... نیروهای مخالف و طرفدار دولت هر دو در مورد اکثر تلفات غیرنظامی و نقض حقوق بشر مسئول هستند... ما از تلاش های اخیر برای بهبود عملکرد نیروهای امنیت ملی افغانستان استقبال می کنیم اما نگرانی های جدی در باره آمادگی، رفتار و حساب دهمی این نیروها و معافیت از مجازات در مورد نقض حقوق بشر هنوز باقی است. ارتش افغانستان هنوز از پیگیری و تحقیق در باره تلفات غیرنظامی ناتوان است. اقداماتی مثل تشکیل نیروی پولیس محلی به ملیشیه و قوماندان های محلی که بسیاری از آنها با غیرنظامیان بد رفتاری کرده اند مشروعیت می بخشد و قدرت می دهد. استخدام، حفظ، آموزش و تجهیز نیروهای ملی و توسعه توانایی نیروهای امنیت ملی افغانستان برای نظارت، کاهش و واکنش به تلفات غیرنظامیان باید مورد توجه قرار گیرد.

### توصیه ها:

• تمام طرف ها باید از تلفات غیرنظامی پیشگیری کنند و آنها را کاهش دهند و به حقوق بین المللی

• دولت افغانستان باید تضمین کند که وقوع تلفات غیرنظامی به درستی پیگیری و تحقیق شود و به تناسب جبران خسارت گردد

• آموزش با کیفیت خوب در مورد حقوق بشر بین المللی و حقوق بین المللی بشردوستانه انجام شود

• از اجرای مقررات مرتبط برای تحقیق شفاف و مجازات متناسب با پیگرد متهمان به نقض حقوق بشر صرف نظر از مقامشان حمایت شود.

### ۲. صلح و مصالحه

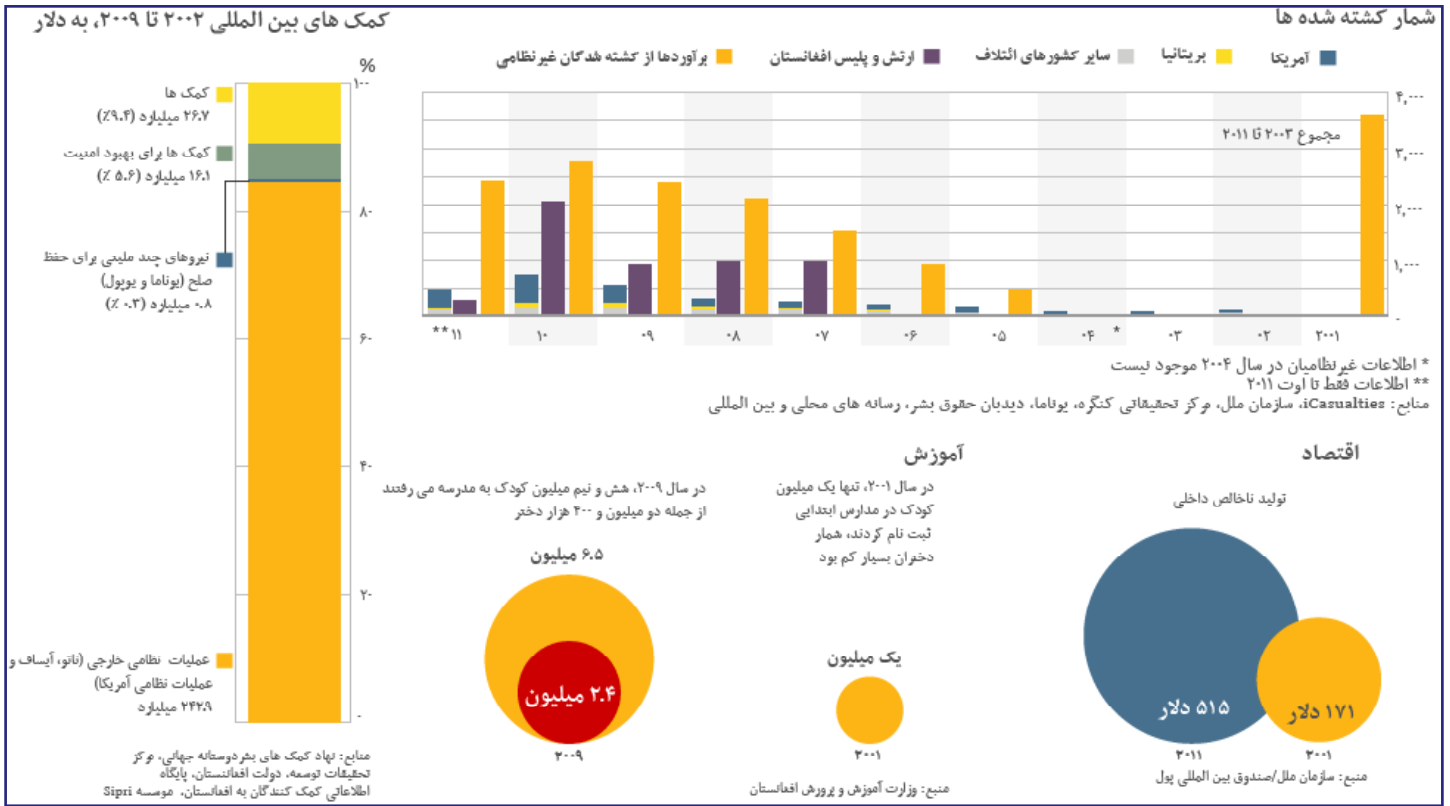
راه حل نظامی برای درگیری در افغانستان وجود ندارد. برای پایان دادن به جنگ و دستیابی به صلح پایدار توافق سیاسی ضروری است. کشورهای منطقه از وجود افغانستان باثبات و آرام بهره می برند. به علاوه صلح پایدار بدون حمایت طرف های منطقه ای و جامعه بین المللی ممکن نیست. تنها راه حل فرایند شفاف و فراگیر صلح با شرکت نمایندگان تمام بخش های جامع افغانستان و طرف های منطقه ای است. نقش مهم زنان باید مورد پذیرش قرار بگیرد. هر قدر زنان بیشتر به یک توافق سیاسی که حقوقشان را تضمین کند احساس مشارکت و تعهد کنند، بیشتر احتمال دارد...

ادامه در صفحه بعدی

# افغانستان به روایت آثار، ۱۰ سال پس از طالبان

بی بی سی، ۵ اکتوبر ۲۰۱۱

از اکتوبر ۲۰۰۱، بیلیون ها دلار پول وارد افغانستان شده، اما بخش اعظم آن صرف عملیات نظامی شده است. بعضی جنبه های زندگی عده ای از مردم بهتر شده، اما تعداد تلفات و کشته ها در ظرف یک دهه خشونت بسیار زیاد است.



اکتبر ۲۰۱۱ - ۱۳ مهر ۱۳۹۰

[http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2011/10/111005\\_ghanistan\\_chart.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2011/10/111005_ghanistan_chart.shtml)

ادامه از صفحه قبلی

## بیانیه مشترک سازمان های غیر دولتی...

که از تغییر در رفتارها و مصالحه واقعی حمایت کنند.

توصیه ها:

- به مشارکت زنان، جامعه مدنی و دیگر گروه های اقلیت در تمام مراحل و سطوح فرایند صلح تعهد نشان دهید
- با تعهد به این که هر گونه توافق سیاسی باید به صراحت حقوق زنان (آموزش، مشارکت سیاسی بر اساس مفاد قانون اساسی افغانستان) را تضمین کند از قربانی نشدن حقوق زنان اطمینان حاصل کنید
- از تلاش برای بهبود توانایی فنی حکومت محلی حمایت کنید، منابع موجود در اختیار دولت در بخش های مختلف کشور افزایش دهید و از استقرار حاکمیت قانون و اجرای آن در مورد تمام افراد جامعه اطمینان حاصل کنید.

۳. توسعه اقتصادی و اجتماعی

توسعه سریع افغانستان قابل دوام نیست و سطح فقر شدید را کاهش نداده است... افغانستان در ذخیره های معدنی ثروتمند است... اما این فرصت باید با اصلاحات حکومتی نیرومندی همراه شود که به تمام مردم افغانستان سود برساند.

توسعه روستایی نیز برای کاهش فقر حیاتی است... بیش از هفت میلیون افغان هنوز از ناامنی در مورد مواد غذایی رنج می برند.

... توسعه اقتصادی باید تمام افغان ها را در تمام بخش های جامعه دربرگیرد، به ویژه زنان را... سرانجام پیشرفت اقتصادی محدود باقی خواهد ماند مگر این که مردم افغانستان از دسترسی موثر به خدمات اساسی، شامل آموزش برای پسران و دختران و مراقبت درمانی مطمئن برخوردار باشند.

توصیه ها:

- از توسعه منسجم و برنامه بلند مدت برای دستیابی به ثروت معادن افغانستان و توزیع منافع آن به روشی پاسخگو و شفاف حمایت نمایید
- دسترسی به خدمات اساسی مثل بهداشت و آموزش را به ویژه در مناطق روستایی و به ویژه برای زنان بهبود ببخشید
- حمایت از بخش کشاورزی (کشاورزان فقیر، سرمایه گذاری در مدیریت پایدار زمین و آب، کاهش خطر بلايا و جلوگیری از گرسنگی ناشی از خشکسالی و ناامنی غذایی) را افزایش دهید
- به سرمایه گذاری در حمایت از دولت برای توسعه برق میکروآبی و تولید انرژی پایدار (نیروی خورشیدی) توجه نشان دهید.

سازمان های غیردولتی امضا کننده:

Action Centre La Faim, Afghan Health and Development Services, Afghan Institute for Learning, British Agencies Afghanistan Group, Civil Society Development Centre, Christian Aid, Coordination of Afghan Relief, Cooperation Centre for Afghanistan, Integrity Watch Afghanistan, Medica Afghanistan, Oxfam, Swedish Committee for Afghanistan, Terre des Hommes

۱ - این کنفرانس در ۲ نومبر ۲۰۱۱ در استانبول/ترکیه برگزار شد. در اینجا خلاصه ای از بیانیه آمده است. متن کامل آن در منبع زیر در دسترس است:



آرمان شهر منتشر کرده است

- کاروان هزار و یک شعر برای افغانستان، زمستان ۱۳۸۲
- کاروان شعر برای صلح و دموکراسی در افغانستان، بهار ۱۳۸۲ خورشیدی
- کاروان مهر (ویژه جوانان)، بهار ۱۳۸۲ خورشیدی
- شعر برای صلح، (تاجیکستان، سریلیک)، تابستان ۱۳۸۲ خورشیدی
- تجلیل از احمد شاملو: وجدان آگاه شعر جهان، قوس ۱۳۸۵ خورشیدی
- شهروند کیست، چه وظایف و اختیاراتی در مقابل دولت و جامعه دارد؟ قوس ۱۳۸۵ خورشیدی
- نقش شهروندان در حقیقت یابی و عدالت جویی، قوس ۱۳۸۵ خورشیدی
- عدالت اجتماعی در اسلام: سیستم‌های دولت داری و مکاتب دیگر، جدی ۱۳۸۵ خورشیدی
- چالش‌های آزادی بیان: رسانه‌ها و مطبوعات در افغانستان، دلو ۱۳۸۵ خورشیدی
- دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشورهای کثیرالقوم، حوت ۱۳۸۵ خورشیدی
- در جستجوی جامعه مدنی: تجارب بین‌المللی و حقیقت‌های محلی، حمل ۱۳۸۶ خورشیدی
- تهاجم فرهنگی و تأثیر یک ربع قرن مهاجرت در امور فرهنگی و سیاسی، ثور ۱۳۸۶ خورشیدی
- علیه فراموشی، تجربه کمیسیون‌های حقیقت و دادخواهی، ثور ۱۳۸۶ خورشیدی
- آیا دانشگاه‌های افغانستان ظرفیت پرورش نخبگان جامعه را دارد یا خیر؟ جوزای ۱۳۸۶ خورشیدی
- دو تعبیر از جهانی شدن، سرطان ۱۳۸۶ خورشیدی
- ما همه فمینیستیم (شاید خبر نداریم)، اسد ۱۳۸۶ خورشیدی
- جنبش زنان: نهضت ملی یا روند تصنعی، اسد ۱۳۸۶ خورشیدی
- زنان صلح را می‌سرایند (ویژه زنان)، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- سنت و تجدید: رویارویی یا همسویی، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی
- سید جمال الدین و نوآندیشی دینی، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی
- جای خالی اندیشه در تحصیلات عالی افغانستان: دلایل و راه حل‌ها، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی
- مطالبات زنان افغانستان از رییس جمهور آینده، جزوه کمپاین ۵۰٪ زنان، تابستان ۱۳۸۸ خورشیدی
- نقض حقوق بشر و سیاست امریکا، تابستان- پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی، «سیاست نامه ۲-۱»
- سیمرغ (مجموعه ی شعر برای صلح)، پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- جوانان و شورای ولایتی - شورای ولایتی چه می‌کند، مردم چه می‌خواهند؟ پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی
- راهنمای قربانیان به دادگاه بین‌المللی جنایی، پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- مذاکره ملی با زنان: دادرسی یا عقب نشینی؟ پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی
- این جا زمان متروکیست، روح الامین امینی، زمستان ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- ناتو، استثنا بر دموکراسی و افول امپراتوری‌ها، زمستان ۱۳۸۸ خورشیدی، «سیاست نامه ۳»
- صدای قربانیان برای عدالت، تابستان ۱۳۸۹ خورشیدی «سکوت را بشکنیم»
- از ساختار پارلمان تا نگاه انتقادی به کارنامه مجلس اول در افغانستان، تابستان ۱۳۸۹ خورشیدی
- پُر سیمرغ (برگزیده اشعار جایزه صلح سیمرغ)، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی «سکوت را بشکنیم»
- اقتصاد بازار در افغانستان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی
- از کتاب تا آزادی بیان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی
- قلعه حیوانات، تابستان ۱۳۸۹ خورشیدی، «سیمرغ»
- بررسی یک دهه حضور بین‌المللی در افغانستان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی
- در جستجوی حقیقت و عدالت در افغانستان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی «سکوت را بشکنیم»
- تا سیگار بیست و یکم، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی «سیمرغ»
- تبعیض و مشارکت سیاسی زنان: نقش آموزش و پرورش «سیاست نامه ۴-۵»
- صلاحیت قضایی جهانی: راه کارهایی برای بیکرد ناقضان حقوق بشر «سیاست نامه ۶-۷»
- جزوه کمپاین ۵۰٪ زنان افغانستان، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی
- سیمرغ در قاف صلح، گزیده اشعار و تصاویر برای صلح در افغانستان، زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی «سکوت را بشکنیم»
- نقض حقوق بشر و سیاست امریکا، چاپ دوم زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی، «سیاست نامه ۱-۲»
- ناتو، استثنا بر دموکراسی و افول امپراتوری‌ها، چاپ دوم زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی، «سیاست نامه ۳»
- علیه فراموشی، تجربه کمیسیون‌های حقیقت و دادخواهی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی
- جوانان - جهانی میان بیم و تردید، زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی
- بازخوانی حافظه جمعی، زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی
- هیچ توان گفت در پنجاه سال، مجموعه شعر حمیرا نکمت دستگیر زاده، بهار ۱۳۹۰ خورشیدی
- تبعیض و مشارکت سیاسی زنان: نقش آموزش و پرورش، چاپ دوم بهار ۱۳۹۰ خورشیدی «سیاست نامه ۵-۵»
- گذشته چراغ راه آینده است، بهار ۱۳۹۰ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- گذری بر ویرانه های جنگ، تصویر عینی جنگ، سفرنامه ۱۳۶۸، رسول پویان، بهار ۱۳۹۰ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- عدالت برای زنان در جنگ و صلح، بهار ۱۳۹۰، «سکوت را بشکنیم»
- حقیقت یابی و نقش علوم طب عدلی، تابستان ۱۳۹۰
- از بی سوادی تا جنگ، از جنگ تا بی سوادی، تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی
- نویسندگان بی مخاطب، مخاطبین بی نویسنده، تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی
- «قصه های سیمرغ» گزیده داستان، تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی «پُر سیمرغ»
- شصت سال تاریخ انگاری در افغانستان، تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی
- الف تا ی، فرهنگ نامه عدالت در گذار، تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی «سیاست نامه ۸-۹»
- زیر و بم، پژوهشی در گستره ی موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس، خزان ۱۳۹۰ خورشیدی
- فدرالیسم و دموکراسی، خزان ۱۳۹۰ خورشیدی، «سیاست نامه ۱۰-۱۱»
- اعلامیه جهانی حقوق بشر برای کودکان و نوجوانان، خزان ۱۳۹۰ خورشیدی



برای دریافت مرتب خبر درباره فعالیت های آرمان شهر از این صفحه ها دیدن کنید

<http://armanshahropenasia.wordpress.com>  
 On Facebook: Armanshahr Foundation/OPEN ASIA  
 Weblogs:  
<http://jayezasimorgh.blogfa.com/>  
<http://campaign50darsad.blogfa.com/>  
<http://www.fidh.org/-Afghanistan>

